NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۹۱
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران



قصاص حق ماست
دنیا دیگر جای امنی برای قاتلان نخواهد بود

فرمانده کل سپاه در جمع دانشجویان بسیجی کنگره پیشگامان رهایی با اشاره به خسارت‌های واردشده به کشور و شهادت رهبر انقلاب اسلامی و جمعی از شهدا اظهار داشت: ما خسارت‌های بزرگی دیدیم که در رأس آنها امام شهید ما بودند. خون پاک ایشان و خون شهدا، ضامن ادامه حیات و حرکت این نظام و انقلاب شده است و خواهد بود. در مقابل آن خون پاک، دستاوردهای بسیار شگفتی به دست آمده است. همین تجمع شما، همین احساس پاک و همین خواسته‌های بلند شما، انتقام حق شماست؛ حق ماست و قصاص حق ماست.

۲



نوبنیاد از دورخیز برای شکستن محاصره دریایی با توانمندی نظامی گزارش می دهد

محاصره را بشکن

۷

جدال نیابتی غنی‌نژاد

کیاوش کلهر
روزنامه‌نگار

برای هر نقدی به شریعتی، بماند که آن نقدها هم از سمت غنی‌نژاد صادر شده باشد که کمترین سررشته‌ای در اندیشه ندارد، باید اول فهمید او چه می‌گفت و چرا می‌گفت. نمی‌توان چند جملهٔ مشهور را از متن بیرون کشید، آن‌ها را به هم چسباند و بعد با ژست یک منتقد جدی، حکم نهایی را صادر کرد.
غنی‌نژاد ظاهراً میان نقد یک متفکر و تخلیهٔ عاطفی علیه او تفاوت چندانی قائل نیست. در گفت‌وگو به جای آن‌که با یک استدلال منسجم مواجه شویم که در آن مفاهیم شریعتی صورت‌بندی و مفروضاتش بررسی شوند، بیشتر با نوعی جدل یک‌طرفه مواجهیم که در آن صدای بلندتر قرار است جای استدلال محکم‌تر بنشیند.

متن کامل در صفحه ۸



پزشکیان اذعان کرد با علم به نظر دیگر رهبری، از دریافت غرامت کوتاه آمد

روایت سرپیچی از علی الاصول

۳



حجت الاسلام و المسلمین علی مصباح یزدی؛

مسئولان باید مسیر علی‌الاصول رهبر انقلاب را می‌رفتند

۳

سیاسی | صفحه ۲

راهی جز پاسخ نظامی به محاصره وجود ندارد

خضریان نماینده مجلس: یک ابرنفتکش در حال بارگیری است و ان‌شاءالله در روزهای آینده مسیر خود را برای انتقال نفت به مقصد طی خواهد کرد. هرگونه اقدام علیه این نفتکش، پاسخ نظامی در پی خواهد داشت و جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی‌های لازم را در این زمینه انجام داده است.

اقتصادی | صفحه ۴

پرونده پُرابهام ۱۰۰۰۰ خودرو بی‌پلاک

فروش ۱۰ هزار خودروی ایران‌خودرو به یک مجموعه، آن هم خارج از سازوکار قانونی (فروش خارج از شبکه و بدون پلاک)، در شرایطی خبرساز شده که مردم برای خرید یک خودرو با قیمت کارخانه باید ماه‌ها در انتظار بمانند و بارها شانس خود را در قرعه‌کشی امتحان کنند.

گزارش کوتاه

قصاص حق ماست دنیا دیگر جای امنی برای قاتلان نخواهد بود

سرلشکر احمد وحیدی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در جمع دانشجویان بسیجی کنگره پیشگامان رهایی، با اشاره به شرایط کنونی کشور و تقابل جمهوری اسلامی ایران با استکبار جهانی اظهار کرد: وضعیت امروز ما چگونه است؟ ما بخش بزرگی از یک نبرد را پشت سر گذاشته‌ایم و بخش دیگری از آن را در پیش داریم. آنچه تاکنون پشت سر گذاشته‌ایم، نتیجه‌اش شکل‌گیری یک اردوگاه شکست‌خورده دشمن، ناامیدی و یأس در اردوگاه مقابل و به‌هم‌ریختگی و سرگردانی آنها بوده است.

وی ادامه داد: نشانه‌های این ناامیدی را مشاهده می‌کنید؛ گزارش‌هایی از سربازان و نظامیان آمریکایی مرتباً این روزها به گوش می‌رسد. در یک طرف میدان، شور، نشاط، حماسه، زندگی، شکوفایی، آمادگی برای حرکت قوی‌تر به جلو، انسجام، یکپارچگی، قلب‌های به‌وجدآمده، فکرهای متعالی و اراده‌های مصمم قرار دارد و این یک طرف جبهه است؛ این همان چیزی است که تا امروز اتفاق افتاده است.

فرمانده کل سپاه با اشاره به تصورات اولیه دشمن از جنگ با جمهوری اسلامی ایران بیان کرد: دشمن بسیار مغرورانه و متکبرانه و با اوهام، توهمات و تلقیاتی وارد صحنه شد که گمان می‌کرد می‌تواند ظرف چند روز مسئله را حل کند. گفته بود به بعضی از کشورهای حاشیه خلیج فارس که وقتی کار را شروع کنیم، ظرف ۷۲ ساعت ارزیابی خود را به شما ارائه می‌دهیم؛ بعد از ۷۲ ساعت گفته بودند دو هفته بیشتر طول نمی‌کشد و انتظار اولیه آنها ۷۲ ساعت بود، اما پس از ۷۳ ساعت ارزیابی‌شان این بود که ظرف دو هفته کار جمهوری اسلامی تمام خواهد شد.

وحیدی با اشاره به حجم تجهیزات و مهمات به‌کارگرفته‌شده از سوی دشمن علیه ایران گفت: بله، امکانات بسیار زیادی آوردند و امکانات فراوانی داشتند. خودشان نیز ادعای بسیار زیادی درباره توانمندی‌هایشان دارند و واقعاً هم این حجم مهماتی که در ایران استفاده کردند، کم‌نظیر است. مقداری از مهماتی را که در جنگ‌های دیگر طی سالیان استفاده می‌کردند، در جمهوری اسلامی ظرف یکی دو ماه به کار گرفتند و حتی کمتر از آن، در عرض ۴۰ روز استفاده کردند.

فرمانده کل سپاه تأکید کرد: آنها گمان نمی‌کردند این همه مهمات، هواپیما و ناو هواپیمابر به میدان بیاورند، اما این تجهیزات کجا رفت و به کجا رسید؟ خداوند اراده فرموده است که حق بر جای خود بنشیند و باطل به زباله‌دان تاریخ برود؛ همان‌طور که فرمود: «لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ».

فرمانده کل سپاه با اشاره به خسارت‌های واردشده به کشور و شهادت رهبر انقلاب اسلامی و جمعی از شهدا اظهار کرد: ما خسارت‌های بزرگی دیدیم که در رأس آنها امام شهید ما بودند. خون پاک ایشان و خون شهدا، ضامن ادامه حیات و حرکت این نظام و انقلاب شده است و خواهد بود.

وی افزود: در مقابل آن خون پاک، دستاوردهای بسیار شگفتی به دست آمده است. همین تجمع شما، همین احساس پاک و همین خواسته‌های بلند شما، انتقام حق شماست؛ حق ماست و قصاص حق ماست.

وحیدی تصریح کرد: دنیا دیگر جای امنی برای قاتلان و جنایتکارانی که این جنایت‌ها را در ایران پدید آوردند، نخواهد بود. آنها خواب راحت نخواهند داشت و باید بابت جنایت‌هایی که انجام داده‌اند بر خود بلرزند؛ حق همین است.

الزامات خروج ایران از وضعیت نه جنگ نه صلح و شکست محاصره دریایی در گفتگوی نوبنیاد با حجت‌الاسلام روانبخش و علی خضریان

راهی جز پاسخ نظامی به محاصره وجود ندارد

این روزها اهمیت چالش «وضعیت نه جنگ نه صلح» و ضرورت خروج هرچه سریع‌تر ایران از این وضعیت مورد دوچندان شده است. علی خضریان، نماینده مردم تهران دراینباره به نوبنیاد گفت: جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفته است به هر قیمتی محاصره نظامی را بشکند؛ محاصره‌ای که با هدف جلوگیری از فروش نفت و وارد کردن آسیب به معیشت و اقتصاد مردم دنبال می‌شود. علاوه بر این حجت السلام قاسم روانبخش، نماینده مردم قم دراینباره تاکید کرد: باید به ناوها و ناوچه‌های آمریکایی که محاصره دریایی را ایجاد کرده‌اند، حمله کنیم و با وارد کردن ضربه‌ای شدید، این محاصره را بشکنیم. اینکه منتظر بمانیم و ببینیم چه اتفاقی رخ می‌دهد، راهکار مناسبی نیست.



اقدام عملی ایران برای عبور از محاصره

خضریان نماینده مردم تهران تاکید کرد: در همین لحظه که ما در حال گفت‌وگو هستیم، یک ابرنفتکش در حال بارگیری است و ان‌شاءالله در روزهای آینده مسیر خود را برای انتقال نفت به مقصد طی خواهد کرد. هرگونه اقدام علیه این نفتکش، پاسخ نظامی در پی خواهد داشت و جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی‌های لازم را در این زمینه انجام داده است.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

روز گذشته و درحاشیه نشست مجمع جبهه پایداری انقلاب اسلامی، علی خضریان عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در گفتگو با نوبنیاد درباره الزامات شکست محاصره دشمن نکاتی مطرح کرد.

خضریان: تصمیم نظام شکستن محاصره است

خضریان، نماینده مردم تهران در پاسخ به سوالی درباره الزامات شکست این محاصره و ناکام گذاشتن دشمن در شرایط کنونی، گفت: به اعتقاد بنده، در برابر اقدام نظامی دشمن راهی جز پاسخ نظامی وجود ندارد. بنده معتقدم اقدام نیروهای تروریست آمریکایی در قالب آنچه امروز تحت عنوان نمایش محاصره، به‌ویژه در حوزه دریایی، در حال انجام است، اقدامی نظامی محسوب می‌شود. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجه مجلس در ادامه ضمن رد هرگونه راهکار غیرنظامی برای مقابله با اقدام نظامی دشمن، تصریح کرد: نمی‌توان گفت که اقدامات کنونی دشمن ماهیت نظامی ندارد و در حوزه غیرنظامی انجام می‌شود و از آن نتیجه گرفت که باید به دنبال راهکارهای غیرنظامی برای مقابله با آن بود. چراکه هر اقدام نظامی، پاسخی نظامی می‌طلبد.

وی افزود: بنده به عنوان خادم مردم و عضو کمیسیون امنیت ملی، این موضوع را با دوستان در بخش‌های نظامی و دستگاه‌های اجرایی نیز مطرح کرده‌ام. نماینده مردم تهران با بیان این خبر که جمهوری اسلامی ایران حتماً به اقدامات نظامی، پاسخ نظامی خواهد داد. اعلام کرد: جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفته است به هر قیمتی محاصره نظامی را بشکند؛ محاصره‌ای که با هدف جلوگیری از فروش نفت و وارد کردن آسیب به معیشت و اقتصاد مردم دنبال می‌شود. نماینده مردم تهران تاکید کرد: در همین لحظه که ما در حال گفت‌وگو هستیم، یک ابرنفتکش در حال بارگیری است و ان‌شاءالله در روزهای آینده مسیر خود را برای انتقال نفت به مقصد طی خواهد کرد. هرگونه اقدام علیه این نفتکش، پاسخ نظامی در پی خواهد داشت و جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی‌های لازم را در این زمینه انجام داده است.

روانبخش: باید به ناوهای آمریکایی حمله کنیم

علاوه بر این، حجت السلام قاسم روانبخش، نماینده مردم قم، در گفتگو با نوبنیاد درباره الزامات شکست محاصره دریایی دشمن و راهکارهای عملیاتی برای شکست محاصره و خروج از وضعیت کنونی اظهار کرد:

به نظر من، باید به ناوها و ناوچه‌های آمریکایی که محاصره دریایی را ایجاد کرده‌اند، حمله کنیم و با وارد کردن ضربه‌ای شدید، این محاصره را بشکنیم. اینکه منتظر بمانیم و ببینیم چه اتفاقی رخ می‌دهد، راهکار مناسبی نیست. تداوم وضعیت نه جنگ و نه صلح به ضرر ماست.

وی افزود: باید با وارد کردن ضربه‌ای اساسی، نیروهای آمریکایی را از میدان خارج کنیم و محاصره را بشکنیم. در نهایت، اگر چنین اقدامی انجام دهیم، ضربه سختی به شیطان بزرگ وارد خواهیم کرد.

نماینده مردم قم درباره پیامدهای برخورد قاطع با دشمن آمریکایی مطرح کرد: کشورهای منطقه‌ای که تحت تأثیر آمریکا اقدام به بستن مرزهای زمینی می‌کنند، دیگر جرئت ادامه چنین اقداماتی را نخواهند داشت. به نظر من، برخی از این کشورها از ترس آمریکا دست به چنین اقداماتی می‌زنند و اگر آمریکا با ضربه‌ای جدی مواجه شود، سایر بازیگران منطقه‌ای نیز متوجه شرایط خواهند شد و حساب کار دستشان می‌آید.

سیاسی

اعضای شورای مرکزی جبهه پایداری مشخص شدند



روز گذشته، مجمع عمومی جبهه پایداری انقلاب اسلامی با حضور حدود ۲ هزار نفر شرکت‌کننده از سراسر کشور به صورت حضوری و غیرحضوری برگزار شد. در این مجمع انتخابات شورای مرکزی جبهه پایداری انقلاب اسلامی برگزار شد و اعضای این شورا با رأی شرکت‌کنندگان انتخاب شدند. بر اساس نتایج اعلام‌شده، اعضای اصلی شورای مرکزی به ترتیب بیشترین آرای کسب‌شده عبارت‌اند از: ۱. مرتضی آقاتهرانی ۲. صادق محصولی ۳. علی خضریان ۴. قاسم روانبخش ۵. زهره سادات لاجوردی ۶. علیرضا عباسی ۷. سید محمدرضا حسینی ۸. علیرضا تسلیمی ۹. کریم کریمی‌تبار ۱۰. سعید توانا راد ۱۱. محمد اسماعیلی ۱۲. رضا خسابی ۱۳. سیدمصطفی موسوی‌نژاد ۱۴. وحید جهان‌آرا ۱۵. هانیه سلحشور ۱۶. علی ریاحی‌پور ۱۷. علیرضا بهرامی ۱۸. امیرحسین محمودی ۱۹. غلامحسین رضوانی ۲۰. محمد اسماعیل کفایتی ۲۱. خدیجه پور.

همچنین مجید متقی‌فر، محمدعلی برنامنش، مجتبی معین‌پور، محمود دهقانی و علی‌اکبر براتی به‌عنوان اعضای علی‌البدل شورای مرکزی انتخاب شدند. در بخش انتخاب اعضای هیئت بازرسی نیز مجید دوستعلی، ابوالفضل عفت‌نژاد و محمدرضا اثنی‌عشری به‌عنوان اعضای هیئت بازرسی انتخاب شدند.

حجت‌الاسلام علی مصباح: مسئولان باید مسیر علی‌الاصول رهبر انقلاب را می‌رفتند



روز گذشته، حجت الاسلام والمسلمین علی مصباح یزدی، فرزند آیت‌الله محمدتقی مصباح، در حاشیه نشست مجمع جبهه پایداری انقلاب اسلامی در پاسخ به سوال خبرنگار نوبنیاد درباره تفسیرهای متعددی که درباره علی الاصول رهبر انقلاب مطرح است، اظهار داشت: بنده فکر می‌کنم فرمایش رهبر انقلاب ناظر بر همان اصولی بود که رهبر شهید انقلاب بر آن تأکید داشتند و در واقع، ادامه همان مسیر و اصول بود.
وی افزود: یکی از اصول مورد تأکید رهبر شهید انقلاب درباره بی‌فایده بودن مذاکره با آمریکا بود. روشن بود که بر اساس نظر ایشان، چنین حرکتی به نتیجه نمی‌رسد و حتی ضررهایی را برای کشور به همراه دارد.
ایشان بارها تأکید فرموده بودند که آمریکا هیچ مشکلی از کشور ما حل نمی‌کند، هیچ فایده‌ای ندارد و حتی ضرر هم دارد. تجربه نیز ثابت کرد که نظر امام شهید و رهبر انقلاب ما چقدر درست بود. اگر از ابتدا مسئولان در همین مسیر حرکت می‌کردند و همین خط را ادامه می‌دادند، چه بسا این رویکرد به نفع کشور و نظام بود.
رهبر انقلاب در پیام ۲۸ خرداد شان فرموده بودند: بنده علی الاصول، نظر دیگری داشتم ولی از باب تعهّدی که رئیس جمهور محترم به عنوان رئیس شورای عالی امنیّت ملّی از طرف خود و سایر اعضا در پاسداشت حقوق ملّت ایران و جبهه مقاومت به بنده دادند و تصریح به قبول مسئولیت آن نمودند، اجازه‌ی آن را صادر نمودم. ایشان همچنین تصریح کرده‌اند که اگر طرف آمریکایی بخواهد زیاده‌خواهی کند زیر بار آن نخواهند رفت.

مسعود پزشکیان اذعان کرد در موضوع تفاهم‌نامه اسلام‌آباد با علم به نظر دیگر رهبری، از دریافت غرامت کوتاه آمده و تفاهم را امضا کرد

روایت سرپیچی از علی‌الاصول

پس‌لرزه‌های "علی‌الاصول" ادامه دارد. چند ماه پس امضای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد میان روسای جمهور ایران و آمریکا و سپس، اظهار موضع صریح رهبر معظم انقلاب درباره این تفاهم‌نامه مبنی بر اینکه ایشان علی الاصول نظر دیگری داشته‌اند، حالا مسعود پزشکیان در یک سخنرانی تصریح داشته که نظر او و برخی دیگری از اعضای شعام با نظر رهبر انقلاب متفاوت بوده و آنها با علم به "نظر دیگر رهبری"، به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد رای داده اند. این اعتراف بزرگ در شرایطی است که طی ماه‌های گذشته هرزمان که ملت مبعوث و منتقدان مذاکره با آمریکا، بابت عدم پیگیری نظر رهبر انقلاب در مذاکرات، انتقاد می‌کردند، با برچسب‌هایی چون تندرو و وحدت‌شکن مواجه شدند.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار



روز پنجشنبه و به دنبال حضور رئیس دولت در کنگره دانشجویی پیشگامان رهایی، رسانه رسمی پزشکیان، ویدئویی از او در این مراسم را منتشر کرد. طبق این ویدئو، پزشکیان در پاسخ به دانشجویی که از اختلاف نظر دولت با رهبری در ماجرای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد پرسیده بود می گوید: رهبر انقلاب می گفتند که ما باید اول از آمریکا غرامت بگیریم اما ما معتقد بودیم آمریکا غرامت نخواهد داد. ایشان گفتند که این کار را کنید ما هم گفتیم نمی شود و نمی توانیم. (در ادامه) رهبر انقلاب گفتند بروید در شورا(ی عالی امنیت ملی) صحبت کنید اگر سه چهارهم رای دادند همان را بروید اجرا کنید. ما رفتیم در شورا صحبت کردیم و ۱۲ نفر از ۱۳ نفر شعام قبول کردند که باید این یکی راه یعنی تفاهم‌نامه را برویم. رهبری هم فرمودند که من با اینکه نظرم این نبود قبول می کنم. ما می دانستیم نظر رهبری چیست اما بالاخره ما باید کاری را در دیپلماسی انجام دهیم که علم و امکانات ما اجازه آن را می دهد؛ ما خلاف نظر رهبری عمل نکردیم!

گذشته از صراحت کم‌سابقه رئیس دولت در عدم التزام به فرامین رهبر انقلاب در موضوع دریافت غرامت از آمریکایی‌ها، این موضع پزشکیان که ما می دانستیم که نظر رهبری چیست و با علم به آن، مسیر تفاهم‌نامه اسلام‌آباد طی شده، در نوع خود قابل تامل است. طی ماه‌های گذشته دقیقا از روزی که پیام علی‌الاصول رهبر انقلاب درباره تفاهم‌نامه اسلام‌آباد منتشر شد، برای ملت مبعوث ایران همواره این انتقاد از دولت و تیم مذاکره‌کننده مطرح بود که چرا در این تفاهم‌نامه مسیری متفاوت با نظر رهبر انقلاب طی شد؟ هر چند تحولات بعدی و به‌ویژه عزل دبیر وقت شعام، بسیاری از سوالات و ابهامات را پاسخ داد اما حلقه مشاوران رئیس هیات مذاکرات، به هرگونه انتقاد در اینباره برچسب تندروی و وحدت‌شکنی زده و همواره مدعی هماهنگی رئیس هیات مذاکره‌کننده با رهبری بوده‌اند. در این راستا، حتی زمانی که سرلشکر محسن رضایی دبیر جدید شعام از اشکالات تفاهم‌نامه اسلام‌آباد سخن گفته بود، یکی از مشاوران قالیباف با کنایه به او گفت که این تفاهم و مذاکرات منتهی به آن هیچ ایرادی نداشته است!
علاوه بر اینها موضوعی که پس از سخنان اخیر پزشکیان موضوعیت پیدا کرده، بخشی از بیانیه شعام درباره مذاکرات اسلام‌آباد بود. در بخشی از آن بیانیه که در دوره دبیری ذوالقدر منتشر شده، پرداخت خسارت ایران، بعشی از طره ده ماده‌ای ایران معرفی شد که آمریکا مجبور به پذیرش آن شده است!

الگوریتم مواجهه پزشکیان با فرامین رهبری

نکته قابل توجه اینکه نوع مواجهه دولت چهاردهم و رئیس جمهور با منویات رهبر انقلاب در موضوع تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، دقیقا مشابه مواجهه پزشکیان با رهبر شهید انقلاب بوده است.
از جمله اینکه مهرماه سال ۱۴۰۴ و در شرایطی که پزشکیان در سفر نیویورک به سر می برد، رهبر شهید انقلاب در یک سخنرانی کم‌سابقه تلویزیونی، مخالفت صریح خود با مذاکره با آمریکا را اعلام و دلایل منطقی این مخالفت را نیز برشمد. اما آنچنان که خود پزشکیان بعدها روایت کرده، او در دیدار رهبر شهید برای مذاکره اصرار کرده بود. وی در اینباره گفته است: رهبر شهید بارها می فرمودند که مساله نه جنگ نه صلح را باید حل کرد؛ گاهاً هم صداوسیما این پیام آقا را منتشر می کند که مذاکره نمی کنیم؛ همان موقع ما خدمت ایشان رسیدیم و بحث بود که ما نه جنگ نه صلح را اگر بخواهیم حل کنیم چه کار باید بکنیم؟ گفتگو نکنیم؟ و بر اساس همین بود که آقا اجازه داد که گفتگو ادامه پیدا کند و فرمودند که بروید و مساله را حل کنید؛ ما باید از این حالت نه جنگ نه صلح در بیاییم.

یادداشت

اخلاص؛ از بال پرواز شهدا تا سند سقوط آقادوربینی‌ها

محمد مهدی رحیمی
نویسنده کتاب "هارداسان"

در ایام شهادت سردار حسن تهرانی مقدم، بخت با من یار شد تا به همراه جمعی از اهالی رسانه، در منزل نورانی این «سردار عالی‌قدر» حضور پیدا کنم. حسینیه‌ای که جای‌جای آن عطر معنویت و نشانی از مجاهدت دارد؛ مکانی که به همت همسرِ مؤمن حاج حسن، مأمن و ملجأ بسیاری از اهالی شهر و محله شده است. همان‌گونه که حاصلِ خدمات آن «دانشمند برجسته»، پناهی نه فقط برای ایرانیان، که مایه آرامش جمهور مقاومت است؛ تا جایی که حضرت نصرالله فرمود: «اگر هر زنی در لبنان راحت قدم می‌زند، به خاطر خون این شهید (حسن تهرانی مقدم) است.»
نام سید حسن را بردم ناگهان یاد آن شب جان‌فرسای تشییع سید در بیروت افتادم؛ شبی تلخ اما تا ابد ماندگار، که ملاقات با یگانه دختر آقا سید، بانو زینب نصرالله آن شب را ماناتر کرد. خانم نصرالله که اکنون همسر، فرزند و خواهر شهید است) از پدر گفت و از میان تمام کلمات و جملاتش، که آن‌ها را با تمام وجود نوش کردم و بر جانم نشست، این پندآموزتر بود: «اگر بخواهم بگویم شاخص‌ترین ویژگی پدرم (سید حسن نصرالله) چه بود و چه چیزی او را به این جایگاه درخشان رساند، می‌گویم: اخلاص، اخلاص و اخلاص.»
در حالی که غرق در همین خاطرات بودم، سخنان خانم حیدری همسر شهید تهرانی مقدم شروع شد؛ سخنانی کوتاه که روح آن در قالب یک جمله خلاصه شده بود: «راز اصلی رسیدن حاج حسن به این جایگاه پرافتخار و این دستاوردهای بی‌مانند این بود؛ اخلاص، اخلاص و اخلاص.»
این فهرست را با نمونه‌های مشابه دیگری می‌توان تکمیل کرد.
مثلا با کلام بانوی عارفه، حاجیه بدرالدین ، همسر اسطوره بی مانند مقاومت اسلامی شهید عماد مغنیه ،که او هم دو سال قبل خجسته شبی در خانه دلنشین‌شان در ضاحیه بیروت، اخلاص را برگ برنده توفیقات عجیب همسرش در ربع قرن مجاهدت و مبارزه می دانست.
یا با خاطراتم از شهید مظلوم آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی که در بسیاری از آنها، اخلاص او کاملا عیان بود. در سال های ریاست جمهوری و در حاشیه برنامه‌های مختلف زیاد از مردم می‌شنیدم که بیش از هر چیز به اخلاص شهید جمهور دلبسته و به گره گشایی او از کوه مشکلات کشور امیدوار بودند تا آنجا که قائد شهید امت هم فرمودند اگر دوران ریاست شهید رئیسی تداوم پیدا می کرد بسیاری از مشکلات کشور حل می شد .
به موازات این روایت‌ها، نمونه‌های متضاد هم هستند؛ بزرگان و مدیرانی که اخلاص گم شده فعالیت‌های آنهاست و البته ناکامی و شکست، پای ثابت کارنامه این آقا دوربینی‌ها .
این یادداشت معطر به یاد شهدای بزرگی است که نمی خواهم آنرا بیش از این آلوده به مسلک ریاکاران دوربین دوست کنم.
خدایا به حق اخلاص دسته اول، ما را جزو دسته دوم قرار نده!

با افزایش ۱۰۳ درصدی قیمت؛ ماکارونی هم لاکچری شد



افزایش قیمت مواد اولیه و تغییر نرخ گندم صنعتی، سرانجام به ماکارونی رسید؛ کالایی که سال‌ها به‌عنوان یکی از غذاهای ارزان و در دسترس سبد غذایی خانوار شناخته می‌شد، اکنون با جهش قیمت مواجه شده است. ماجرا از تغییر نرخ گندم مورد استفاده صنایع آغاز شد. گندم مورد نیاز صنعت ماکارونی تا اواخر خرداد ماه امسال با نرخ هر کیلوگرم ۱۷ هزار تومان در اختیار تولیدکنندگان قرار می‌گرفت. در شهریورماه، نرخ گندم صنعت ماکارونی به ۲۳ هزار و ۸۵۰ تومان رسید و قیمت بسته ۷۰۰ گرمی ماکارونی به ۷۸ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش یافت. با این حال، براساس تصمیم ستاد تنظیم بازار، از ابتدای آبان‌ماه نرخ گندم تحویلی به کارخانه‌های تولید ماکارونی، نان صنعتی و نان‌های حجیم و نیمه‌حجیم از ۲۳ هزار و ۸۵۰ تومان به ۶۰ هزار تومان در هر کیلوگرم افزایش یافت که افزایش ۱۵۱ درصدی را نشان می‌دهد و به معنای بیش از ۲.۵ برابر شدن نرخ قبلی است.

محمدجواد کرمی، رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف تهران، نیز اعلام کرد: آرد مورد استفاده در تولید ماکارونی و نان‌های صنعتی از شمول یارانه دولتی خارج شده و با نرخ آزاد عرضه می‌شود. با افزایش قیمت گندم، نرخ هر کیلوگرم آرد از ۳۰ هزار و ۲۰۰ تومان به ۷۸ هزار و ۷۰۰ تومان رسیده که با احتساب هزینه‌های حمل‌ونقل، برای تولیدکنندگان به ۸۰ هزار تومان می‌رسد. در روزهای نخست آبان‌ماه، رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران اعلام کرد: هنوز قیمت جدید ماکارونی به‌طور رسمی اعلام نشده و این محصول در بازار با نرخ‌های قبلی عرضه می‌شود. او همچنین از کاهش عرضه و افزایش قیمت در شبکه توزیع خبر داد.

با این حال، شرکت زر ماکارون در ۲۸ آبان‌ماه با انتشار اطلاعیه‌ای در سامانه کدال، از افزایش نرخ فروش ماکارونی خبر داد. براین اساس، قیمت مصرف‌کننده محصول رشته‌ای ۷۰۰ گرمی از ۷۸ هزار و ۵۰۰ تومان به ۱۵۹ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش یافت که بیانگر رشد ۸۱ هزار تومانی (۱۰۳ درصدی) است. دلیل این تصمیم افزایش نرخ گندم و آرد عنوان شده است. افزایش قیمت ماکارونی در حالی اتفاق افتاده که این محصول یکی از اقلام پرمصرف سبد غذایی خانوار است. بررسی‌های نوبنیاد از فروشگاه‌های اینترنتی نشان می‌دهد پس از اعلام افزایش قیمت‌ها، این فروشگاه‌ها محصولات موجود را نیز با نرخ‌های جدید قیمت‌گذاری برای فروش عرضه کردند.

موج خبر

موج جدید گرانی به حمل‌ونقل رسید

وزارت راه و شهرسازی از افزایش نرخ حمل‌ونقل عمومی جاده‌ای کالا و مسافر خبر داد. براساس ابلاغیه جدید، کرایه حمل کالا ۲۲.۶ درصد و نرخ جابه‌جایی مسافر ۲۲ درصد افزایش یافته است. براساس ابلاغیه صادرشده، نرخ شاخص حمل کالا بر مبنای تن-کیلومتر از ۱۶ هزار و ۶۸۰ ریال به ۲۰ هزار و ۴۵۰ ریال افزایش یافته است که از ۲۸ آبان‌ماه در سامانه مدیریت کنترل بارنامه اعمال شده است. همچنین افزایش نرخ کرایه حمل مسافر در ناوگان حمل‌ونقل عمومی جاده‌ای از اول آذرماه اجرایی خواهد شد و مسافران برای استفاده از خدمات حمل‌ونقل عمومی جاده‌ای باید هزینه بیشتری بپردازند. افزایش نرخ حمل کالا هزینه جابه‌جایی مواد اولیه را افزایش می‌دهد و از این مسیر بر قیمت تمام‌شده تولید اثر می‌گذارد.

گرانی دوباره شیر در سکوت نظارت

فارس نوشت: کسانی که برای خرید شیر به فروشگاه‌ها رفتند دوباره با افزایش قیمت شیر مواجه شدند. قیمت انواع شیر بطری دوباره ۱۲.۵ درصد نسبت به روزهای قبل افزایش داشت. این در حالی است که یکی دو هفته گذشته صنایع لبنی به بهانه اینکه شیر خام قرار است گران شود، قیمت‌ها را بالا برده بودند و هر بطری ۹۰۰ گرمی شیر تا ۱۶۰ هزار تومان فروخته می‌شد. کارگروه تنظیم بازار وزارت جهاد کشاورزی، نرخ جدید شیر خام را که ۶۰ هزار و ۵۰۰ تومان بود، به ۶۸ هزار تومان افزایش داد و بهانه جدید دست صنایع لبنی افتاد تا قیمت‌ها را دوباره افزایش دهند؛ یعنی یک بار قبل از تصویب و یک بار پس از تصویب نرخ شیر، قیمت‌ها را بالا بردند. قیمت هر بطری شیر، بسته به برند، از ۱۶۰ به ۱۸۰ هزار تومان، از ۱۵۴ به ۱۷۴ هزار تومان و از ۱۳۶ به ۱۴۵ هزار تومان رسیده است.

کاهش سهمیه آرد نانوایی‌های صنعتی

رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف تهران گفت: هیچ تغییری در سهمیه و نحوه توزیع یارانه نان خانوارها ایجاد نخواهد شد و مردم می‌توانند به هرمیزان که مصرف دارند، نیاز خود را تأمین کنند، اما برخی کسب‌وکارها مانند کبابی‌ها، کله‌پزی‌ها و رستوران‌ها باید آرد مورد نیازشان را با قیمت آزاد خریداری کنند. محمدجواد کرمی با اشاره به مشکلات بخش نان‌های حجیم و صنعتی اضافه کرد: پیش از این اعلام شده بود که گندم مورد نیاز این واحدها با قیمت کیلویی ۶۰ هزار تومان تأمین می‌شود، اما اکنون با کاهش ۳۰ درصدی سهمیه آرد این واحدها، تنها ۷۰ درصد سهمیه قبلی به آن‌ها اختصاص داده می‌شود که کافی نیست.

نوبنیاد از فروش بدون سازوکار قانونی خودروهای ایران‌خودرو با قیمت بازارگزارش می‌دهد؛

پرونده پُرابهام ۱۰۰۰۰ خودرو بی‌پلاک

فروش ۱۰ هزار خودروی ایران‌خودرو به یک مجموعه، آن هم خارج از سازوکار قانونی (فروش خارج از شبکه و بدون پلاک)، در شرایطی خبرساز شده که مردم برای خرید یک خودرو با قیمت کارخانه باید ماه‌ها در انتظار بمانند و بارها شانس خود را در قرعه‌کشی امتحان کنند. ماجرا از تبلیغ فروش این خودروها با ۲۰۰ میلیون تومان پایین‌تر از قیمت بازار آغاز شد که پای دادستانی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان حمایت و مجلس به این پرونده باز شد.



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

ماجرا از زمانی جدی شد که یک مجموعه فروش خودرو به نام اتوپلازا در یکی از تبلیغات خود از عرضه حدود ۱۰ هزار دستگاه خودروی ایران‌خودرو با ۲۰۰ میلیون تومان پایین‌تر از قیمت بازار آزاد خبر داد. خودروهایی از خانواده پژو ۲۰۷، دنا، تارا و پارس که گفته می‌شد در حجم بالا برای فروش در اختیار این مجموعه قرار گرفته‌اند. انتشار این خبر در شرایطی که خرید خودرو از مسیر رسمی برای مردم به فرآیندی طولانی تبدیل شده، حساسیت زیادی برانگیخت. به‌ویژه آنکه بخش قابل توجهی از این خودروها هنوز پلاک نشده بودند و نحوه واگذاری آنها نیز با ابهام همراه بود. سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اعلام کرد: ایران‌خودرو ۹ هزار و ۸۹۷ دستگاه خودرو به مجموعه اتوپلازا تحویل داده است. در بررسی‌های اولیه، مغایرت‌هایی در مجوزهای صنفی و احتمال تخلفاتی از جمله عرضه خارج از شبکه و گران‌فروشی مطرح شده و گزارش مربوط به اتوپلازا نیز به مراجع قضایی ارسال شده است. این موارد همچنان در مرحله بررسی قرار دارد و احراز تخلف به نتیجه تحقیقات و نظر مراجع صلاحیت‌دار وابسته است.

پس از آن، دادستانی تهران به موضوع ورود و دستور توقف فروش را صادر کرد. ناصر عتباتی، دادستان تهران، با اشاره به گزارش منتشرشده درباره واگذاری بیش از ۱۰ هزار دستگاه خودرو گفت: پس از انتشار این گزارش، بلافاصله دستور ورود دادستانی صادر و پرونده قضایی تشکیل شده است. این موضوع با هدف بررسی چگونگی واگذاری خودروها و جلوگیری از هرگونه اقدام خارج از روال و ضوابط تعیین‌شده در دستور کار قرار گرفته است. او تأکید کرد: اگر در این فرایند رانت یا ویژه‌خواری صورت گرفته باشد، حتماً با آن برخورد خواهد شد. همچنین افرادی که وظیفه نظارت بر این فرایند را برعهده داشته‌اند، چنانچه در انجام وظایف خود سهل‌انگاری یا کوتاهی کرده باشند، با آنها نیز برخورد می‌شود.

طبق گزارش‌ها از مجموع خودروهای مورد اشاره، حدود ۴۰۰ تا ۲ هزار دستگاه با قیمتی در حدود ۲۰۰ میلیون تومان پایین‌تر از نرخ بازار آزاد فروخته شده‌اند. در مقابل، بخش عمده خودروها همچنان در وضعیت فروش یا عرضه قرار داشته‌اند که با دستور قضایی، فرآیند فروش آنها متوقف شده است. این موضوع به‌ویژه با توجه به خصوصی بودن مدیریت ایران‌خودرو و نقش مجموعه کروز و شرکای آن در ساختار مدیریتی شرکت، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. خصوصی‌سازی قرار بود به افزایش بهره‌وری، بهبود مدیریت و ارتقای کیفیت خدمات منجر شود، نه اینکه دسترسی به محصولات خودروساز را برای گروهی محدود تسهیل کند و متقاضیان عادی همچنان در انتظار قرعه‌کشی باقی بمانند.

وزارت صمت ادعای ایران‌خودرو را رد کرد

پس از رسانه‌ای شدن ماجرا، ایران‌خودرو در اطلاعیه‌ای واگذاری ۱۰ هزار دستگاه خودرو را تأیید کرد. این شرکت مدعی شد اقدام انجام‌شده بر اساس مصوبه چهل‌وسومین جلسه کمیته خودرو وزارت صمت و مصوبات هیأت مدیره صورت گرفته است. به گفته ایران‌خودرو، افزایش هزینه تأمین مواد اولیه و نهاده‌های تولید و انباشت مطالبات قطعه‌سازان، شرکت را با فشار نقدینگی مواجه کرده و واگذاری خودروها با هدف تأمین فوری منابع مالی برای پرداخت بدهی قطعه‌سازان و جلوگیری از اختلال در تولید انجام شده است. براساس توضیحات این شرکت، بانک شهر به‌عنوان بانک عامل و تأمین‌کننده وجوه، شرکت «بینش امید ایران نوین» به‌عنوان ذی‌نفع نهایی معرفی شده از سوی بانک شهر و شرکت ساپکو برای پرداخت مطالبات قطعه‌سازان در این فرآیند حضور داشته‌اند. ایران‌خودرو همچنین اعلام کرده است خودروها با قیمت کارشناسی یا توافقی واگذار شده‌اند و این اقدام به معنای ایجاد مسیر جدیدی برای عرضه مستقیم در بازار آزاد نبوده است. با این حال، سهیل معمارباشی، معاون بهره‌برداری و صنایع حمل‌ونقل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، اعلام کرد که درخواست ایران‌خودرو برای تهاتر خودرو با بخشی از مطالبات قطعه‌سازان در کمیته خودرو به این شکل مورد موافقت قرار نگرفته است. او با تأکید بر اینکه مجوزی برای عرضه خودرو به این شیوه صادر نشده است، تصریح کرد: کمیته خودرو هیچ‌گاه مجوز عرضه خودرو به این صورت نداشته؛ یعنی با قیمت مثلاً حاشیه بازار داشته باشند یا این ترتیبات عرضه خودرو یا تقاضای خودرو رعایت نشود. علیرضا سلیمی، عضو هیأت رئیسه مجلس نیز با اشاره به پیگیری موضوع در مجلس اعلام کرد: حتماً این موضوع را در مجلس به صورت جدی داریم پیگیری می‌کنیم. کمیته‌ای در کمیسیون صنایع موظف شده این مسئله را به‌صورت اضطراری و فوری پیگیری کند. وی گفت: بررسی‌ها حاکی از این است که عرضه خارج از شبکه و گران‌فروشی مطرح باشد که پس از انجام بررسی‌های تکمیلی، گزارش به مراجع ذی‌ربط ارسال خواهد شد.

افزایش ۱۵۷ درصدی قیمت پژو ۲۰۷

این پرونده در شرایطی شکل گرفته که بازار خودرو از ابتدای سال با جهش قابل توجه قیمت‌ها روبه‌رو بوده است. بررسی قیمت دو محصول پرتقاضای ایران‌خودرو، یعنی پژو ۲۰۷ اتوماتیک پانوراما و تارا اتوماتیک **V4**، نشان می‌دهد افزایش قیمت این خودروها از ابتدای سال تاکنون از ۲.۵ برابر شده است. قیمت پژو ۲۰۷ اتوماتیک پانوراما که در ابتدای سال حدود یک میلیارد و ۷۷۰ میلیون تومان بود به حدود ۴ میلیارد و ۵۴۰ میلیون تومان رسیده یعنی قیمت این خودرو ۲ میلیارد و ۷۷۰ میلیون تومان، معادل ۱۵۶.۵ درصد افزایش یافته است. تارا اتوماتیک **V4** نیز از حدود یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان در ابتدای سال جاری به حدود ۴ میلیارد و ۳۲۰ میلیون تومان رسیده که ۲ میلیارد و ۴۲۰ میلیون تومان گران شده و رشد قیمت آن به ۱۲۷.۴ درصد می‌رسد. خودروسازان علت افزایش قیمت‌ها را رشد نرخ ارز و افزایش هزینه تأمین قطعات و مواد اولیه عنوان می‌کنند، هرچند این موضوع نیز اثرگذار است. با این حال، آمار تولید نیز از افت قابل توجه تیراژ حکایت دارد.

تولید خودرو در نیمه نخست سال امسال به حدود ۳۴۲ هزار و ۵۹۳ دستگاه رسیده، در حالی که این رقم در مدت مشابه سال گذشته بیش از ۵۲۴ هزار دستگاه بوده است. به این ترتیب، تولید خودرو حدود ۳۵ درصد کاهش یافته و بیش از ۱۸۱ هزار دستگاه کمتر از مدت مشابه سال قبل تولید شده است. آمارهای منتشرشده در سامانه کدال نشان می‌دهد ایران‌خودرو در نیمه نخست سال جاری ۲۰۴ هزار و ۶۴۷ دستگاه خودرو تولید کرد؛ رقمی که در مقایسه با تولید ۲۶۴ هزار و ۶۶۵ دستگاهی در مدت مشابه سال گذشته، از کاهش ۲۲.۷ درصدی حکایت دارد. هم‌زمان، فروش ایران‌خودرو نیز از ۲۵۳ هزار و ۷۱۲ دستگاه در نیمه نخست سال گذشته به ۱۹۲ هزار و ۹۷۸ دستگاه در نیمه نخست امسال رسیده که بیانگر افت ۲۳.۹ درصدی است. به این ترتیب، ایران‌خودرو در شرایطی با کاهش تولید و فروش مواجه بوده که واگذاری حدود ۱۰ هزار دستگاه خودرو به مجموعه اتوپلازا، معادل نزدیک به پنج درصد کل تولید شش ماهه این شرکت است. این آمارها نشان می‌دهد بازار خودرو هم‌زمان با افزایش قیمت‌ها، با کاهش شدن عرضه از سوی خودروسازان نیز مواجه بوده است.

ایران‌خودرو به دنبال افزایش قیمت

در این میان، گزارش‌هایی نیز درباره احتمال افزایش مجدد قیمت محصولات ایران‌خودرو منتشر شده است. براساس شنیده‌ها، این شرکت در پی اعمال افزایش قیمتی ۵۰ درصدی برای برخی محصولات است؛ موضوعی که در صورت اجرا، فشار بیشتری بر خریداران وارد خواهد کرد. این احتمال در شرایطی است که گزارش‌ها از تأخیر نزدیک به یک ماهه در تحویل برخی خودروهای ثبت‌نامی آبان‌ماه منتشر شده است. برای بسیاری از متقاضیان، ثبت‌نام در طرح‌های فروش خودرو به تجربه‌ای تکراری و بی‌نتیجه تبدیل شده است. برخی افراد بارها در این طرح‌ها شرکت کرده‌اند، اما هربار یا در قرعه‌کشی برنده نشده‌اند یا با محدودیت ظرفیت مواجه شده‌اند. حتی متقاضیانی وجود دارند که بیش از ۳۰ بار برای خرید خودرو ثبت‌نام کرده‌اند، اما همچنان موفق به خرید یک خودرو با قیمت کارخانه نشده‌اند.

در چنین شرایطی، واگذاری یک جای نزدیک به ۱۰ هزار دستگاه خودرو به یک مجموعه مشخص، آن هم خارج از سازوکار معمول فروش، احساس تبعیض در دسترسی به خودرو را تشدید می‌کند. در هفدهمین دوره عرضه محصولات ایران‌خودرو در ۶ آبان امسال، ۹۲۵ هزار و ۴۳۷ متقاضی برای خرید تنها ۴۷ هزار و ۵۰۰ دستگاه خودرو از خانواده‌های پژو ۲۰۷، تارا، سورن پلاس و دنا پلاس ثبت‌نام کردند. به عبارتی، در برابر هر خودرو حدود ۱۹ تا ۲۰ متقاضی وجود داشت و شانس ثبت‌نام‌کنندگان برای خرید خودرو بسیار محدود بود. خودروساز بزرگ کشور نمی‌تواند از یک سو به مردم اعلام کند برای خرید محصولاتش باید در فرآیندهای فروش و قرعه‌کشی شرکت کنند و ماه‌ها منتظر بمانند و از سوی دیگر، هزاران دستگاه خودرو را در مسیری متفاوت به یک مجموعه واگذار کند، بدون آنکه جزئیات قیمت، مجوز، شرایط معامله و سرنوشت منابع حاصل از آن به‌طور شفاف منتشر شود.

شوک نفتی تنگه هرمز، تورم آمریکا و سایه افزایش نرخ بهره بر بازارهای جهانی خودنمایی کرد؛

جنگ ایران، وال استریت و طلا را به سراشیبی کشاند

بازارهای جهانی در هفته گذشته یکی از پرتنش‌ترین دوره‌های خود را پشت سر گذاشتند؛ به‌طوری‌که هم‌زمان با تشدید نگرانی‌ها درباره پیامدهای جنگ ایران، اختلال در تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز و افزایش هزینه انرژی، بورس‌های بزرگ جهان با موج فروش مواجه شدند و قیمت طلا نیز به پایین‌ترین سطح ۱۴ ماه اخیر سقوط کرد. در آمریکا، فشار فروش به بازار سهام محدود نماند و بازار اوراق قرضه نیز تحت تأثیر نگرانی از تورم و احتمال تداوم سیاست پولی انقباضی قرار گرفت.



هادی مولایی
روزنامه‌نگار

بازار سهام آمریکا روز پنجشنبه گذشته (۲۸ آبان) با افت گسترده شاخص‌ها مواجه شد. شاخص داوجونز بیش از ۲ درصد کاهش یافت و به محدوده ۴۹ هزار واحد رسید. شاخص اس‌اندپی ۵۰۰ نیز حدود ۲ درصد و نزدک، شاخص فناوری‌محور بورس آمریکا، حدود ۲.۳ درصد افت کردند. در جریان معاملات، بیش از ۹۰ درصد نمادهای شاخص اس‌اندپی ۵۰۰ در محدوده منفی قرار گرفتند و این شاخص ششمین روز متوالی کاهش خود را ثبت کرد؛ روندی که طولانی‌ترین دوره افت آن از سال ۲۰۲۴ محسوب می‌شود. ریزش بازار سهام آمریکا در حالی شدت گرفت که نگرانی درباره ارزش‌گذاری شرکت‌های فناوری و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با هوش مصنوعی نیز افزایش یافته است.

بالا ماندن نرخ بهره، هزینه تأمین مالی شرکت‌ها را افزایش داده که سودهای آینده آنها را کاهش می‌دهد. موج نزولی به بازارهای سهام آسیایی نیز سرایت کرد. در معاملات دیروز (جمعه)، شاخص نیکی ژاپن حدود ۴.۴ درصد، شاخص کاسپی کره جنوبی حدود ۴.۵ درصد و هنگ‌سنگ هنگ‌کنگ بیش از ۳.۶ درصد کاهش یافتند. شاخص سی‌اس‌آی ۳۰۰ چین نیز با افت همراه شد. هم‌زمانی افت بازارهای آمریکا و آسیا نشان می‌دهد نگرانی سرمایه‌گذاران از پیامدهای شوک انرژی و شرایط پولی (نرخ بهره) جهان، از مرزهای یک بازار فراتر رفته است. با این حال بازار سهام آمریکا در هفته گذشته (تا روز پنجشنبه ۲۸ آبان) با موج تازه‌ای از فشار فروش مواجه شد؛ به‌طوری‌که شاخص **S&P500** حدود ۴.۹ درصد، نزدک نزدیک به ۵ درصد و داوجونز ۶.۲ درصد افت کردند که نشان می‌دهد حدود ۵.۷ تریلیون دلار از ارزش بازار سهام آمریکا از بین رفته است.

طلا هم پناهگاه امن نماند

در شرایطی که افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی معمولاً تقاضا برای طلا را تقویت می‌کند، این بار فلز زرد نیز از موج ریزش در امان نماند. با آغاز معاملات دیروز (جمعه) قیمت جهانی طلا با ادامه روند نزولی خود ۳۵۱۳ دلار هر اونس را ثبت کرد که پایین‌ترین سطح در ۱۴ ماه گذشته است. با این حال، در ادامه معاملات بخشی از افت خود را جبران کرد و تا لحظه تنظیم این گزارش هر اونس طلای نقدی ۳۵۸۵ دلار رسید که در هفته گذشته افت نزدیک به ۳۰۰ دلاری، (۸ درصدی) را نشان می‌دهد که شدیدترین افت هفتگی این فلز گران‌بها طی هشت ماه گذشته بوده است. تقویت شاخص ارزش دلار تا نزدیکی بالاترین سطح ۱۹ ماه اخیر و افزایش بازده اوراق خزانه‌داری آمریکا از عوامل اصلی ریزش طلا بوده‌اند. با بالا رفتن احتمال افزایش ۲۵ واحد پایه‌ای نرخ بهره فدرال رزرو (بانک مرکزی آمریکا) در نشست دسامبر، نگهداری طلا که سود دوره‌ای ندارد، در مقایسه با دارایی‌های دارای بازده جذابیت کمتری پیدا می‌کند.

تنگه هرمز علت اصلی ریزش بازارها

در پس این تحولات، جنگ ایران و اختلال در مسیر انتقال انرژی از خلیج فارس (تنگه هرمز) قرار دارد. تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های راهبردی تجارت انرژی جهان است و حدود یک پنجم عرضه جهانی نفت و گاز طبیعی مایع از این مسیر عبور می‌کند. هرگونه اختلال در تردد نفتکش‌ها، عرضه جهانی را تحت فشار قرار می‌دهد و هزینه حمل‌ونقل، بیمه و تأمین انرژی را افزایش می‌دهد.

با این حال در معاملات دیروز قیمت نفت برنت به حدود ۹۰ دلار و نفت وست‌تگزاس اینترمدییت (**WTI**) به حدود ۸۱ دلار در هر بشکه رسید. بررسی‌ها نشان می‌دهد با وجود کاهش قیمت نفت طی سه هفته گذشته، میانگین قیمت نفت برنت از آغاز جنگ ایران تا دیروز حدود ۱۰۲ دلار در هر بشکه بوده است؛ درحالی‌که قیمت آن قبل از جنگ حدود ۷۱ دلار بود. به این ترتیب، میانگین قیمت نفت برنت در دوره پس از آغاز جنگ حدود ۴۴ درصد بیشتر از دوره پیش از آن بوده است. این یعنی حتی با کاهش قیمت در هفته‌های اخیر، شوک ناشی از جنگ و بسته شدن تنگه هرمز همچنان در اقتصاد جنگ منعکس می‌شود.

اگرچه نفت از اوج‌های ثبت‌شده در جریان جنگ فاصله گرفته و روند نزولی اخیر را تجربه می‌کند اما میانگین قیمت آن در دوره پس از جنگ به‌طور محسوسی بالاتر از سطح پیش از جنگ ایران است. این موضوع بیانگر آن است که آثار اقتصادی جنگ بر بازار انرژی، حتی با فروکش کردن بخشی از التهاب قیمتی، همچنان پابرجاست.

افزایش قیمت نفت تنها به بازار انرژی محدود نمی‌ماند، زیرا فرآورده‌های نفتی و نهاده‌های انرژی در هزینه تولید، حمل‌ونقل، کشاورزی و زنجیره تأمین کالاها نقش مستقیم دارند. افزایش قیمت برخی فرآورده‌های نفتی و نهاده‌های انرژی، فشار هزینه‌ای بر بخش‌های مختلف اقتصاد وارد کرده است. آژانس بین‌المللی انرژی در گزارش چشم‌انداز انرژی جهان ۲۰۲۶، درگیری‌های خاورمیانه را بزرگ‌ترین اختلال ثبت‌شده در تجارت جهانی نفت و گاز عنوان کرد.

بر اساس این گزارش، مجموع عرضه ازدست‌رفته نفت از خلیج فارس به ۲.۸ میلیارد بشکه و عرضه ازدست‌رفته گاز طبیعی به ۶۰ میلیارد مترمکعب رسیده است. این آمار نشان می‌دهد پیامدهای بحران تنها به افزایش مقطعی قیمت نفت محدود نیست و می‌تواند تصمیم‌های بلندمدت کشورها در حوزه انرژی را نیز تغییر دهد.

نفت چگونه به تورم و نرخ بهره رسید؟

افزایش قیمت انرژی، از مسیر بالا بردن هزینه تولید و حمل‌ونقل، موج تازه‌ای از فشارهای تورمی ایجاد کرد. این مسئله برای بانک‌های مرکزی، به‌ویژه فدرال رزرو آمریکا، اهمیت زیادی دارد؛ زیرا در شرایطی که تورم همچنان بالاست، کاهش نرخ بهره به تداوم رشد قیمت‌ها منجر می‌شود. به همین دلیل، بازارها با تقویت احتمال افزایش نرخ بهره در آمریکا روبه‌رو شده‌اند؛ موضوعی که هم هزینه تأمین مالی را بالا می‌برد و هم بر ارزش‌گذاری سهام و طلا فشار وارد می‌کند. گزارش فایننشال تایمز در این باره نوشت: همبستگی میان قیمت نفت و بازده اوراق قرضه در سپتامبر حدود ۶۵ درصد بود.

افزایش بازده اوراق خزانه‌داری آمریکا فقط یک تحول در بازار بدهی نیست؛ این نرخ‌ها مبنای تعیین هزینه استقراض دولت، شرکت‌ها و حتی بخشی از وام‌های مسکن در آمریکا هستند. هنگامی که سرمایه‌گذاران انتظار تورم بیشتر و نرخ بهره بالاتر داشته باشند، برای جبران کاهش قدرت خرید پول، بازده بالاتری مطالبه می‌کنند. در چنین وضعیتی، قیمت اوراق موجود کاهش می‌یابد و بازده آنها افزایش پیدا می‌کند.

رویترز نوشت: دارایی خارجی‌ها در اوراق خزانه‌داری آمریکا در سپتامبر ۲۰۲۶ به ۹.۲۴۱ تریلیون دلار کاهش یافته است؛ در حالی که این رقم در اوت ۹.۳۱۷ تریلیون دلار بود. ژاپن، بزرگ‌ترین دارنده خارجی اوراق، در سپتامبر ۱.۰۶۳ تریلیون دلار از این اوراق در اختیار داشت. سرمایه‌گذاران ژاپنی در هفته منتهی به ۱۴ نوامبر (۲۳ آبان) برای دومین هفته متوالی اوراق بلندمدت آمریکا را فروختند. میزان فروش در آن هفته ۴۴۰.۷ میلیارد ین (۲.۷۷ میلیارد دلار) بود. ژاپنی‌ها در هشت هفته از ۹ هفته اخیر فروشنده اوراق بوده‌اند و میزان فروش آنها از ابتدای سال به حدود ۵.۱ تریلیون ین رسیده است.

دولت آمریکا برای پوشش کسری بودجه خود به انتشار اوراق وابسته است و اگر سرمایه‌گذاران برای خرید این اوراق بازده بیشتری مطالبه کنند، هزینه پرداخت بهره بدهی عمومی افزایش می‌یابد. افزایش هزینه استقراض نیز به نوبه خود فشار بیشتری بر بودجه دولت و نرخ‌های تأمین مالی در اقتصاد آمریکا وارد می‌کند. به این ترتیب، شوک انرژی از مسیر تورم و نرخ بهره به بازار بدهی و سپس به بورس و بازار طلا منتقل شده است.

نبض اقتصادی

اعتراف آمریکایی‌ها به هزینه سنگین محاصره دریایی

افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی، بیمه نفتکش‌ها و محدودیت ظرفیت ناوگان تجاری، به یکی از پیامدهای اقتصادی جنگ و محاصره دریایی آمریکا تبدیل شده است. براساس داده‌های اوپک، هزینه بیمه حمل هر بشکه نفت از خاورمیانه به شرق آسیا تا پایان اکتبر ۲۰۲۶ در مقایسه با ژانویه حدود ۲۰۰ برابر افزایش یافته است. هم‌زمان، کرایه حمل نفتکش‌ها نیز با جهشی قابل توجه مواجه شده و مجموع هزینه حمل و بیمه هر بشکه نفت در این مسیر بیش از ۱۵ برابر شده است. موضوعی که اکنون حتی برخی مقام‌های آمریکایی در روزهای اخیر نسبت به ابعاد آن هشدار دادند که نشان می‌دهد پیامدهای محاصره دریایی صرفاً به محدودیت صادرات نفت ایران ختم نشده و هزینه‌های قابل توجهی را به زنجیره تجارت و حمل‌ونقل انرژی در جهان تحمیل کرده است.

هنگ کائو، سرپرست وزارت نیروی دریایی آمریکا، در جلسه استماع کمیته نیروهای مسلح سنای این کشور در ۱۷ نوامبر ۲۰۲۶ (۲۶ آبان) درباره افزایش هزینه بیمه کشتی‌های تجاری در منطقه خلیج فارس اعلام کرد که هزینه بیمه عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز از حدود ۵۴ هزار دلار پیش از جنگ به ۶۴ میلیون دلار افزایش یافته است. از سوی دیگر، اسناد داخلی سازمان دریانوردی آمریکا (**MARAD**) که دیروز منتشر شد، نشان می‌دهد نهادهای آمریکایی نیز نسبت به پیامدهای اقتصادی محاصره دریایی نگران هستند. براساس گزارش الجزیره، استیون کارمل، رئیس این سازمان، در مکاتباتی داخلی درباره پیامدهای امنیتی و اقتصادی افزایش تهدیدها علیه کشتی‌های تجاری هشدار داده بود. در این اسناد، افزایش حق بیمه جنگی، احتمال خودداری خدمه از پذیرش مأموریت در مناطق پرخطر و کاهش ظرفیت مؤثر ناوگان نفتکش‌ها از جمله پیامدهای این وضعیت عنوان شده است.

۳۲.۵ میلیون دلار هزینه هر روز محاصره برای آمریکا

این هشدارها نشان می‌دهد که مشکل صرفاً افزایش نرخ بیمه نیست؛ بلکه نااطمینانی امنیتی می‌تواند تعداد کشتی‌های آماده فعالیت در منطقه را نیز کاهش دهد. هنگامی که مالکان کشتی‌ها و شرکت‌های کشتیرانی از پذیرش ریسک خودداری کنند، حتی وجود نفت و خریدار نیز برای تضمین انتقال محموله کافی نخواهد بود. در نتیجه، محدودیت ظرفیت حمل می‌تواند به عاملی مستقل برای افزایش هزینه تجارت انرژی تبدیل شود. در همین حال، در جلسه استماع سنای آمریکا، هزینه اجرای عملیات محاصره دریایی نیز مورد توجه قرار گرفت. بر اساس گزارش آسوشیتدپرس، هزینه روزانه اجرای این عملیات حدود ۳۲.۵ میلیون دلار اعلام شده است، نشان‌دهنده بار مالی قابل توجه محاصره برای دولت آمریکاست.

هزینه بیمه نفتکش‌ها ۲۰۰ برابر شد

براساس گزارش الجزیره، هزینه بیمه حمل هر بشکه نفت خام از خاورمیانه به شرق آسیا از حدود ۶ سنت در ژانویه به ۱۲.۲۹ دلار در پایان اکتبر رسیده است؛ افزایشی که معادل حدود ۲۰۵ برابر است. این در حالی است که هزینه کرایه حمل هر بشکه نفت در همین مسیر از ۳.۱۸ دلار به ۳۷.۱۳ دلار افزایش یافته و حدود ۱۱.۷ برابر شده است. در نتیجه، کرایه حمل و بیمه هر بشکه نفت از ۳.۲۴ دلار به ۴۹.۴۲ دلار رسیده است؛ به این معنا که هزینه انتقال هر بشکه نفت در این مسیر، صرفاً از محل کرایه و بیمه، بیش از ۱۵ برابر افزایش پیدا کرده است.

مجموع این شواهد بیانگر آن است که محاصره دریایی، علاوه بر محدود کردن مسیرهای تجاری، هزینه‌های جدیدی را به اقتصاد جهانی تحمیل کرده است. در واقع، هرچه دامنه نااطمینانی در مسیرهای انتقال انرژی گسترده‌تر شود، هزینه تجارت نفت نیز افزایش خواهد یافت؛ هزینه‌ای که مصرف‌کنندگان، شرکت‌های حمل‌ونقل و اقتصاد کشورهای واردکننده انرژی نیز از پیامدهای آن متأثر خواهند شد. در چنین شرایطی، حتی در صورت تداوم جریان صادرات نفت، هزینه رساندن محموله‌ها به مقصد افزایش می‌یابد و این مسئله می‌تواند بر قیمت نهایی نفت و هزینه تأمین مواد اولیه در کشورهای واردکننده اثر گذار باشد.

تنگه هرمز؛ کانون فشار ایران بر بازارهای جهانی

سقوط هم‌زمان بورس‌ها و طلا نشان می‌دهد که جنگ ایران صرفاً یک بحران نظامی و منطقه‌ای نیست، بلکه به یکی از عوامل اثرگذار بر بازارهای مالی جهان تبدیل شده است. شوک انرژی ناشی از این جنگ، از مسیر نفت و تورم به سیاست پولی آمریکا و ارزش دارایی‌های مالی در جهان منتقل شده و هزینه‌های آن در وال‌استریت و بازارهای جهانی خودنمایی می‌کند. افزایش هزینه انرژی، تشدید نگرانی‌های تورمی، تغییر انتظارات درباره نرخ بهره و رشد بازده اوراق قرضه، زنجیره‌ای از فشارها را بر بازارهای سهام و طلا ایجاد کرده است. اگر اختلال در عرضه انرژی ناشی از وضعیت تنگه هرمز ادامه یابد و تورم حاصل از آن مهار نشود، فشار بر بانک‌های مرکزی برای حفظ یا افزایش نرخ بهره بیشتر خواهد شد؛ موضوعی که می‌تواند در هفته‌های آینده نیز بازارهای سهام، فلزات گران‌بها و اوراق قرضه را در معرض نوسانات شدید قرار دهد.

رسانه‌های آمریکایی از شکست نشست پرهیاهوی سران آمریکا، چین و روسیه خبر دادند

ترامپ دست خالی از چین برگشت

نشست پرزرق‌وبرق دونالد ترامپ با شی جین‌پینگ و ولادیمیر پوتین در شنژن چین، با وجود تبلیغات کاخ سفید، بدون توافقی عملی درباره پرونده‌های جهانی به پایان رسید. رئیس‌جمهور آمریکا که برای نمایش قدرت دیپلماسی شخصی خود راهی آسیا شده بود، نه امتیازی درباره کاهش تسلیحات هسته‌ای گرفت، نه گرهی از جنگ اوکراین گشود و نه توانست همراهی پکن و مسکو را در پرونده ایران به دست آورد. در مقابل، بیانیه مشترک سه کشور بیش از آنکه نقشه راهی اجرایی باشد، مجموعه‌ای از تعارفات دیپلماتیک بود؛ دستاوردی در حد عکس یادگاری.



احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

نشست سه‌جانبه رؤسای جمهور آمریکا، چین و روسیه که روز پنجشنبه ۱۹ نوامبر در حاشیه اجلاس همکاری اقتصادی آسیا ـ اقیانوسیه (اپک) برگزار شد، برخلاف انتظارات واشنگتن بدون دستیابی به توافقی تعیین‌کننده پایان یافت. دونالد ترامپ که امیدوار بود با گردآوردن رهبران دو قدرت رقیب آمریکا، بار دیگر خود را در جایگاه بازیگر اصلی معادلات جهانی معرفی کند، پس از حدود ۸۰ دقیقه مذاکره، شنژن را بدون دریافت امتیازات مورد انتظار ترک کرد.

روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی با عنوان «ترامپ صمیمیت خود با شی و پوتین را به نمایش گذاشت، اما دستاورد چندانی برای ارائه ندارد» نوشت که رئیس جمهور آمریکا در این نشست از روابط دوستانه خود با پوتین و استقبال گرم مقامات چینی سخن گفت، اما مذاکرات به هیچ پیشرفت قابل توجهی درباره کنترل تسلیحات هسته‌ای، جنگ اوکراین و هوش مصنوعی منجر نشد.

خبرگزاری رویترز نیز در تحلیلی تأکید کرد که نشست شنژن محدودیت‌های دیپلماسی شخصی ترامپ را آشکار ساخته است. به نوشته این خبرگزاری، رئیس جمهور آمریکا در شرایطی برای کسب موفقیتی دیپلماتیک راهی چین شد که شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره و ادامه بن‌بست جنگ با ایران، موقعیت داخلی او را تضعیف کرده است. با این حال، حاصل نشست چیزی فراتر از یک بیانیه نمادین نبود.

از خلع سلاح هسته‌ای تا اوکراین؛ هیچ توافقی حاصل نشد

مهم‌ترین دستور کار ترامپ در نشست سه‌جانبه، دستیابی به توافقی برای کاهش زرادخانه‌های هسته‌ای آمریکا، روسیه و چین بود. واشنگتن امیدوار بود با واردکردن پکن به مذاکرات کنترل تسلیحات، زمینه شکل‌گیری توافقی سه‌جانبه را فراهم کند. موضوعی که به‌ویژه پس از پایان اعتبار پیمان «استارت نو» اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

با وجود این، نه پوتین تعهد جدیدی برای کاهش تسلیحات هسته‌ای پذیرفت و نه شی جین‌پینگ حاضر شد درباره محدودسازی زرادخانه هسته‌ای چین امتیاز مشخصی بدهد. نتیجه مذاکرات صرفاً توافق برادامه گفت‌وگو درباره کاهش خطرات هسته‌ای بود؛ بدون آنکه جدول زمانی، سازوکار اجرایی یا تعهد الزام‌آوری اعلام شود.

در پرونده اوکراین نیز ترامپ نتوانست به توافقی برای توقف جنگ دست پیدا کند. اگرچه این موضوع در مذاکرات مطرح شد، اما حتی نام اوکراین نیز در بیانیه پایانی نشست قرار نگرفت. درباره تایوان، دریای جنوبی چین و اختلافات تجاری و فناوری واشنگتن با پکن نیز نشانه‌ای از عقب‌نشینی طرف چینی مشاهده نشد.

راجا کریشنامورتی، نماینده دموکرات کنگره آمریکا، در انتقاد از نتایج نشست تصریح کرد: «ما از این نشست هیچ دستاوردی نداشتیم.» وی تأکید کرد که نه توافقی درباره کاهش تسلیحات هسته‌ای چین و روسیه حاصل شده، نه امنیت اوکراین افزایش یافته و نه پیشرفتی برای کاهش تنش‌های مرتبط با تایوان و دریای جنوبی چین صورت گرفته است.

حتی دانا پرینو، سخنگوی پیشین کاخ سفید در دولت جورج بوش و از چهره‌های شبکه فاکس نیوز، نیز پذیرفت که نتیجه عملی نشست تقریباً هیچ بوده است.

بی‌اعتنایی پکن و مسکو به خواسته‌های ضدایرانی واشنگتن

یکی دیگر از محورهای مهم نشست، تلاش ترامپ برای جلب همراهی چین و روسیه در پرونده ایران بود. تلاشی که دست‌کم در نتایج اعلام‌شده مذاکرات، دستاورد مشخصی برای واشنگتن به همراه نداشت. ترامپ در اظهارات پیش از آغاز مذاکرات، بار دیگر بر جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای تأکید کرده بود، اما در بیانیه مشترک سه قدرت، حتی اشاره‌ای به نام ایران نشد. همچنین هیچ توافقی درباره نحوه مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران، اعمال فشار جدید یا همراهی پکن و مسکو با سیاست‌های واشنگتن اعلام نشد.

این ناکامی در شرایطی رخ داد که تنها یک روز پیش از نشست شنژن، نماینده روسیه در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بیانیه مشترک تهران، مسکو و پکن را قرائت کرده بود.

در این بیانیه که ۱۸ نوامبر در وین ارائه شد، سه کشور تأکید کردند که از سرگیری کامل فعالیت‌های راستی‌آزمایی در تأسیسات هسته‌ای آسیب‌دیده ایران، مستلزم پایان حملات و تهدیدهای نظامی و دریافت تضمین‌های معتبر درباره عدم تکرار آنهاست.

ایران، روسیه و چین همچنین تصریح کردند که درخواست اجرای عادی و بدون قیدوشرط تعهدات پادمانی، بدون درنظرگرفتن پیامدهای حملات نظامی، کمکی به ازسرگیری کامل نظارت‌های آژانس نمی‌کند.

امضای ترامپ پای بیانیه‌ای به سود پوتین

در میان معدود موضوعاتی که در بیانیه چهارماده‌ای نشست گنجانده شد، موضع مشترک سه کشور درباره دیوان کیفری بین‌المللی توجه بسیاری از تحلیلگران را جلب کرد. سه قدرت بر اهمیت رضایت دولت‌ها و احترام به مصونیت مقامات رسمی تأکید کردند و خواستار جلوگیری از سوءاستفاده دیوان کیفری بین‌المللی از صلاحیت‌های خود شدند.

این موضع برای پوتین که از مارس ۲۰۲۳ تحت حکم بازداشت دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارد، یک دستاورد سیاسی به شمار می‌رود. ترامپ نیز با همراهی در این موضع، عملاً در موضوع محدودسازی اختیارات دیوان به روسیه نزدیک شد؛ هرچند متن بیانیه به معنای لغو حکم بازداشت پوتین یا نفی کامل صلاحیت دیوان نیست.

نکته قابل توجه دیگر، غیبت اروپا از مذاکراتی بود که موضوعات امنیتی آن مستقیماً به آینده این قاره ارتباط داشت. رهبران آمریکا، روسیه و چین درباره امنیت بین‌المللی و جنگ اوکراین گفت‌وگو کردند، در حالی که هیچ‌یک از دولت‌های اروپایی در پشت میز حضور نداشتند.

در نهایت، ترامپ که با سودای نمایش قدرت آمریکا و کسب یک پیروزی بزرگ دیپلماتیک وارد چین شده بود، با بیانیه‌ای چهارماده‌ای به واشنگتن بازگشت که نه جنگی را متوقف کرد، نه زرادخانه‌ای را کاهش داد و نه امتیازی در پرونده ایران برای آمریکا به همراه داشت. نشست شنژن برای رئیس جمهوری که همواره خود را استاد معامله معرفی می‌کند، بیش از آنکه نمایش قدرت چانه‌زنی باشد، نمایش فاصله میان ادعاهای بزرگ و دستاوردهای کوچک بود.

واشنگتن در حسرت اجماع علیه تهران

ترامپ در اظهارات پیش از آغاز مذاکرات، بار دیگر بر جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای تأکید کرده بود، اما در بیانیه مشترک سه قدرت، حتی اشاره‌ای به نام ایران نشد. همچنین هیچ توافقی درباره نحوه مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران، اعمال فشار جدید یا همراهی پکن و مسکو با سیاست‌های واشنگتن اعلام نشد. این ناکامی در شرایطی رخ داد که تنها یک روز پیش از نشست شنژن، نماینده روسیه در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بیانیه مشترک تهران، مسکو و پکن را قرائت کرده بود.

یادداشت

مقاومت عراق همچنان ایستاده است

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

تحولات تازه منطقه جرف‌النصر عراق، برخلاف تصویری که برخی جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای از عقب‌نشینی کتائب حزب‌الله ارائه می‌کنند، الزاماً به معنای پایان نقش مقاومت در معادلات امنیتی این کشور نیست. ورود نیروهای مشترک عراقی، تشکیل مقر فرماندهی جدید و آغاز خروج تدریجی نیروهای کتائب، بیش از هر چیز از تغییر آرایش نیروها و تلاش برای جلوگیری از رویارویی داخلی حکایت دارد. با این حال، آنچه در این میان اهمیت دارد، تفکیک میان تخلیه مواضع نظامی و خلع سلاح مقاومت است. دو موضوعی که یکسان دانستن آنها می‌تواند به خطای محاسباتی خطرناکی منجر شود.

صبح جمعه ۲۰ نوامبر، نیروهای ارتش، پلیس فدرال و حشدالشعبی با استقرار در منطقه راهبردی جرف‌النصر، مرحله تازه‌ای از ترتیبات امنیتی عراق را آغاز کردند. هم‌زمان، سعد معن، رئیس واحد اطلاع‌رسانی امنیتی عراق، از خروج تدریجی نیروهای کتائب حزب‌الله خبر داد. با این حال، گزارش‌های میدانی درباره میزان خروج نیروها و آینده حضور این گروه یکسان نیست و هنوز نمی‌توان از پایان کامل نفوذ کتائب در منطقه سخن گفت.

نخستین نکته آن است که تغییر مواضع نظامی را نباید لزوماً به معنای تغییر معادله قدرت دانست. پذیرش ترتیبات جدید امنیتی، تلاشی برای جلوگیری از تبدیل اختلافات داخلی به درگیری مسلحانه است. درگیری‌ای که می‌توانست نیروهای عراقی را در برابر یکدیگر قرار دهد و امنیت کشور را با بحران تازه‌ای مواجه سازد.

بیانیه ابوحسین الحمیداوی، دبیرکل کتائب حزب‌الله نیز از همین منظر قابل بررسی است. تأکید او بر حل اختلافات از مجاری مشخص و بازگشت نیروها به فعالیت‌های عادی، نشان می‌دهد این جریان دست‌کم در مقطع کنونی، مسیر توافق و مدیریت تنش را بر تقابل نظامی ترجیح داده است. این رویکرد، نشانه تلاش برای حفظ ظرفیت‌های سیاسی و امنیتی بدون ورود به جنگ داخلی است.

نکته دوم، نقش مرجعیت نجف در معادلات آینده عراق است. سفر علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق، به نجف بدون دیدار با آیت‌الله سیستانی پایان یافت. عدم پذیرفتن الزیدی توسط آیت‌الله سیستانی نشان دهنده آن است که مرجعیت عراق بر حمایت از نیروهای مقاومت تاکید دارد و دولت عراق درباره خلع سلاح تنهاست.

نکته سوم، حضور حشدالشعبی در ترتیبات امنیتی جدید است. استقرار یگان‌های حشد در کنار ارتش و پلیس فدرال، نشان می‌دهد سازمانی که در مقابله با داعش نقش مهمی ایفا کرده، همچنان بخشی از ساختار امنیتی عراق باقی مانده است.

جرف‌النصر امروز بیش از آنکه صحنه پایان یک جریان باشد، صحنه آزمون راهبردهای متفاوت برای مدیریت قدرت و امنیت است. جابه‌جایی نیروها پایان ایستادگی نیست و مقاومت می‌تواند با پرهیز از درگیری داخلی، موقعیت خود را در ساختار سیاسی و امنیتی عراق حفظ کند. در مقابل، دولت برضرورت حاکمیت قانون و فرماندهی واحد تأکید دارد. سرنوشت این دو رویکرد را نه تصاویر ورود نیروها، بلکه نحوه اجرای توافق و حفظ ثبات عراق مشخص خواهد کرد.

یادداشت

سیاست منطقه‌ای در آزمون عراق مردود شد؟

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

مسئله اولتیماتوم علی الزیدی به کتائب حزب‌الله عراق در منطقه جوف‌الصخر (جوف النصر)، در کنار رویکرد آشکارا کاسب‌کارانه و ضدایرانی نخست‌وزیر جدید عراق، بار دیگر یک پرسش اساسی را به افکار عمومی بازگردانده است: چه کسانی و با چه محاسبات اشتباهی در مدیریت پرونده منطقه‌ای ایران را به نقطه‌ای رسانده‌اند که اکنون یکی از دولت‌های همسایه به بستری برای فشار بر مقاومت و محدودسازی عمق راهبردی کشور تبدیل شود؟

این پرسش زمانی جدی‌تر می‌شود که کارنامه تحولات منطقه در سال‌های اخیر را کنار یکدیگر قرار دهیم. ایران در نبردهای تاریخی با آمریکا و رژیم صهیونیستی، ظرفیت‌های بازدارندگی خود را به نمایش گذاشت و پیروزی تاریخی در تنگه هرمز، خلیج فارس و در برابر دو قدرت اتمی جهان به دست آورد و انصارالله یمن نیز به یکی از بازوهای قدرتمند مقابله با محور استعماری آمریکایی-صهیونیستی و سرسپردگان عربی آن تبدیل شده است؛ نیرویی که با تثبیت موقعیت خود در باب‌المندب، معادلات راهبردی یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های دریایی جهان را تغییر داده است. با این حال، آسیب‌های سنگین حزب‌الله لبنان، سقوط دولت سوریه و اکنون قدرت‌گیری شخصیتی همسو با واشنگتن در بغداد، از ضعف‌های جدی در مدیریت جبهه منطقه‌ای حکایت دارد.

اگر حاصل مدیریت بخش‌های موشکی و دریایی نیروهای مسلح، قبولی نسبی در آزمون دو جنگ اخیر بوده، عملکرد مدیریت اطلاعاتی و منطقه‌ای را نمی‌توان با چنین ارفاقی ارزیابی کرد. این بخش با کارنامه‌ای مواجه است که دست‌کم در برخی پرونده‌های راهبردی، نیازمند بازخواست جدی و بررسی مسئولیت‌هاست. پیروزی نظامی بدون مدیریت سیاسی و اطلاعاتی دستاوردهای میدان را در معرض فرسایش قرار می‌دهد.

در عراق نیز سازوکاری که با وجود آرای بیشتر ائتلاف نوری مالکی، مسیر نخست‌وزیری علی الزیدی را هموار کرد، باید از منظر محاسبات و مداخلات پشت‌پرده بررسی شود. آیا کم‌کاری‌ها و راهبردهای نادرست در پرونده عراق، زمینه قدرت‌گیری فردی را فراهم نکرد که اکنون با تکیه بر معامله‌گری با آمریکا، به یکی از ستون‌های فشار علیه ایران تبدیل شده است؟

ماجرای جوف‌الصخر نیز صرفاً یک اختلاف امنیتی داخلی نیست. این منطقه در دوران اشغال عراق به دست داعش، یکی از پایگاه‌های مهم این گروه و مانعی جدی بر سر راه تحرک حشدالشعبی و نیروهای مردمی از محور نجف و کربلا به سمت بغداد بود؛ منطقه‌ای که ناامنی آن می‌توانست امنیت مناطق شیعه‌نشین را تهدید کند. بنابراین، اصرار بر محدودسازی حضور کتائب حزب‌الله را باید در هندسه بزرگ‌تری دید: تلاش برای درگیرسازی عراق و خنثی‌کردن ظرفیت مقاومت این کشور برای حمایت از ایران در صورت وقوع جنگی جدید از سوی آمریکا.

در چنین شرایطی، بازنگری در برخی از مسئولان امر، رایزنی‌ها و تصمیمات منطقه‌ای دیگر یک انتخاب تشریفاتی نیست؛ ضرورتی راهبردی است. مسئولان پرونده عراق و منطقه باید درباره نتایج عملکرد خود پاسخگو باشند. همزمان، تهران نباید اهرم‌های قانونی و اقتصادی خود را بلااستفاده بگذارد. پرونده غرامت جنگ هشت‌ساله عراق باید دوباره فعال شود و در صورت هرگونه اقدام محاصره‌ای و تحریمی علیه ایران، اهرم تجارت گاز و برق با عراق، همراه با پیگیری فوری وصول مطالبات معوق کشور، روی میز قرار گیرد. رابطه همسایگی نباید به مجوز فشار بر ایران تبدیل شود. بغداد باید بداند سیاست فشار، هزینه دارد و تهران نیز باید نشان دهد که برای صیانت از منافع ملی خود، ابزارهای لازم را در اختیار دارد و از به‌کارگیری آنها غافل نخواهد ماند.

از وحدت دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان بر سر تداوم محاصره دریایی ایران تا نسخه پترائوس برای فرسایشی‌کردن فشار اقتصادی

محاصره را بشکن

شکستن محاصره ظالمانه ایران در روزهای اخیر به مهم‌ترین دغدغه‌های سطوح تصمیم‌گیری و مطالبات جدی افکار عمومی تبدیل شده است. درحالی‌که واشنگتن با همراهی متحدان منطقه‌ای خود می‌کوشد فشار دریایی را به اهرمی برای تحمیل اراده سیاسی تبدیل کند، تحرکات نفتکش‌های ایرانی در جزیره خارک، ایده کاروان نفتی و هشدارهای تهران درباره هدف قرار دادن پایانه های نفتی کشورهای عربی، نشانه‌هایی از ورود جنگ به مرحله‌ای تازه است.



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

مسئله محاصره ایران به آزمونی برای اراده سیاسی و توان عملیاتی کشور در برابر راهبرد فشار حداکثری آمریکا تبدیل شده است. از یک‌سو، دیپلماسی منفعلانه و فریب‌خورده پزشکیان، عراقچی و قالیباف که نمود آن را در اسلام‌آباد، فاصله میان آتش‌بس تا انعقاد این تفاهم و سرانجام آشکارشدن ماهیت فریبکارانه آن می‌توان مشاهده کرد، فرصت بیشتری برای دشمن فراهم کرد تا بر ضعف در بدنه اقتصادی ایران یقین پیدا کرده و بر محاصره اقتصادی و دریایی متمرکز شود. از سوی دیگر، ضعف مدیریت اقتصادی و عملکرد مدیران بی‌کفایت دولت پزشکیان که هنوز نتوانسته‌اند اقتضائات اداره کشور در وضعیت جنگی را درک کنند، فشار دشمن را تشدید کرده است. در این میان اگر در زمان تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و به دلیل ملاحظات مربوط به حفظ آن تفاهم، برخورد دیگری با محاصره می‌شد و اجازه تثبیت آن داده نمی‌شد، شرایط امروز آسان‌تر بود؛ چرا که اعمال محاصره اساساً یک راهبرد نظامی است.

وحدت واشنگتن بر سر محاصره ایران

نکته قابل توجه آن است که تداوم محاصره دریایی ایران از معدود موضوعاتی است که دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات آمریکا، با وجود اختلافات سیاسی و انتخاباتی، درباره آن اشتراک نظر دارند. در همین چارچوب، دیوید پترائوس، رئیس سابق سیا در دولت اوباما، در یادداشتی در وال‌استریت ژورنال بر ضرورت حفظ محاصره دریایی تأکید کرده است.

پترائوس با اشاره به صادرات روزانه ۱.۵ تا ۲ میلیون بشکه نفت ایران پیش از آغاز محاصره در اواسط آوریل، مدعی است این فشار توانسته صادرات نفت و تجارت دریایی ایران را به‌شدت محدود کند او همچنین تقویت حفاظت دریایی، پاک‌سازی مین‌ها و استفاده از مسیرهای جایگزین فجیره و ینبع برای صادرات انرژی کشورهای عربی را پیشنهاد می‌کند؛ نسخه‌ای که هدف آن حفظ فشار بر ایران و جلوگیری از آسیب گسترده به بازار جهانی انرژی است. پترائوس این تقابل را رقابت میان «ساعت تهران» و «ساعت واشنگتن» می‌نامد؛ یعنی سنجش میزان تحمل ایران در برابر کاهش درآمدهای نفتی و محدودیت تجارت در مقابل میزان تحمل افکار عمومی آمریکا در برابر گرانی انرژی و هزینه‌های تقابل. ترجمه روشن این نسخه آن است که واشنگتن می‌خواهد زمان برای ایران پرهزینه‌تر و برای آمریکا قابل تحمل‌تر باشد.

در همین راستا، اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری دولت ترامپ و ریچارد نفیو، معمار تحریم‌های ایران در دولت اوباما، نیز بر استمرار فشار اقتصادی تأکید داشته‌اند. نفیو به‌ویژه بر ضرورت تقویت دوگانه «معیشت یا جنگ» در فضای داخلی ایران از طریق ابزارهایی مانند محاصره حساب باز کرده است. محاسبه این جریان آن است که فشار خارجی در کنار سوءمدیریت پزشکیان، شکاف میان تصمیم‌گیران و جامعه را افزایش دهد و توان اداره کشور در شرایط جنگی را فرسوده کند.

نفتکش‌ها در خارک

در چنین شرایطی، دو روز قبل ابتدا تانکر ترکرز و سپس شماری از رسانه‌های آمریکایی از آمادگی ایران برای بارگیری نفت با سوپرنفتکش‌ها در جزیره خارک و عزیمت احتمالی محموله‌های نفتی خبر دادند. المانیتور نیز گزارش داد بیش از ۱۴ نفتکش ایرانی در نزدیکی جزیره خارک مستقر شده‌اند و احتمالاً برای مأموریت شکستن محاصره دریایی آمریکا آماده می‌شوند؛ مأموریتی که ممکن است به‌زودی آغاز شود.

همزمان، گزارش‌هایی از هشدار ایران درباره پیامد تعرض به نفتکش‌هایش منتشر شده است؛ هشداری با این مضمون که اصابت حتی یک گلوله به بدنه یک نفتکش ایرانی می‌تواند پایانه‌های نفتی منطقه، از جمله تأسیسات امارات، عربستان، کویت و قطر را در معرض پاسخ متقابل قرار دهد. این پیام روشن می‌کند که محاصره دریایی، برخلاف محاسبات واشنگتن، نمی‌تواند بدون درنظرگرفتن هزینه‌های منطقه‌ای آن دنبال شود.

خبرگزاری فارس نیز در گزارشی با عنوان «تکرار ایده فریدون وسط جنگ ایران و آمریکا» به طرح ایده کاروان نفتکش‌ها پرداخت. این گزارش با ارجاع به شاهنامه و عبور فریدون از اروندرود، بر این ایده تأکید می‌کند که ایران نباید برای عبور از محاصره منتظر اجازه آمریکا بماند. در این چارچوب، کاروان نفتکش به‌عنوان نمادی از تبدیل توانایی عملیاتی به اراده آشکار سیاسی معرفی شده است. گزارش فارس همچنین به ظرفیت‌های صادراتی ایران، مسیر جاسک، شبکه فروش نفت به چین و توان ناوگان دریایی کشور برای عبور از محدودیت‌های تحریمی اشاره می‌کند. عراقچی نیز در همین زمینه اعلام کرده است: «هر تلاشی برای صادرات نفت و شکست محاصره می‌کنیم.» آمارهای مربوط به خروج نفت از تنگه هرمز نیز تصویر معناداری از وضعیت ارائه می‌دهد. بررسی بازه ۲۲ تا ۲۸ آبان نشان می‌دهد میزان نفت خارج‌شده از تنگه تا روز ۲۸ آبان به حدود ۱.۳ میلیون کاهش پیدا کرده. همچنین براساس گزارش بلومبرگ در ۱۹ نوامبر، تردد تانکرهای **LNG** از روزانه ۸ شناور به ۲ شناور کاهش یافته است. این تحولات نشان می‌دهد حملات به شناورهای متخلف در محدوده تنگه هرمز نیز بر جریان انرژی اثرگذار بوده است. بنابراین ادعای بی‌اثربودن اقدامات ایران با واقعیت آماری سازگار نیست.

واشنگتن نگران پاسخ ایران است

در همین حال، اکسیوس گزارش داده است کاخ سفید از پنتاگون و کارشناسان اطلاعاتی خواسته ارزیابی خود را درباره واکنش ایران به سناریوهای مختلف حمله طراحی‌شده از سوی ارتش آمریکا ارائه کنند. پرسش مهم‌تر ترامپ این بوده است که آیا اساساً گزینه‌ای وجود دارد که واکنش تلافی‌جویانه و ویرانگر ایران علیه تأسیسات نفت و گاز کشورهای حاشیه خلیج فارس را در پی نداشته باشد؟ این پرسش به‌خوبی نشان می‌دهد که حتی در محاسبات امنیتی آمریکا نیز احتمال گسترش جنگ به زیرساخت‌های انرژی منطقه، یک نگرانی جدی است. به‌ویژه آنکه امارات متحده عربی با همراهی تمام‌قد آمریکا و رژیم صهیونیستی، در تلاش برای تضعیف کنترل ایران بر تنگه هرمز و کمک به محاصره دریایی کشور قرار دارد.

محاصره‌شکنی با تغییر آرایش داخلی

در صورت آغاز عملیات محاصره‌شکنی و مقابله نظامی آمریکا با نفتکش‌های ایرانی، تهران باید از پیش برای پاسخ رعدآسا و سنگین و پرخسارت به پایانه های نفتی کشورهای حوزه خلیج فارس آماده باشد؛ به‌گونه‌ای که واشنگتن نتواند تعرض به تجارت ایران را اقدامی کم‌هزینه تلقی کند. هرگونه تهدید علیه زیرساخت‌های انرژی منطقه باید در محاسبات طرف مقابل جدی گرفته شود، اما مهم‌تر از آن، جلوگیری از تبدیل فشار خارجی به بحران داخلی است. در این میان، نباید اجازه داد جریان‌های سیاسی مدافع سازش، از جمله چهره‌هایی مانند ظریف یا حتی شخص پزشکیان، با مواضع هراس‌افکنانه و تضعیف‌کننده، پشت نیروهای مسلح و راهبرد دفاعی کشور را خالی کنند.

از سوی دیگر، محاصره‌شکنی صرفاً با اعزام نفتکش به آب‌های آزاد محقق نمی‌شود. تیم مدیریتی حوزه نفت و گاز، وزارت راه و شهرسازی، گمرکات، بانک مرکزی و وزارت اقتصاد باید متناسب با شرایط جنگی عزل و عوض شود. تشریفات زائد اداری، بروکراسی فرساینده و موانعی که تجارت زمینی و دریایی ایران، به‌ویژه از مسیر دریای کاسپین، را مختل می‌کنند، دیگر قابل تحمل نیستند. کشور در وضعیت عادی اقتصادی قرار ندارد که همچنان با همان قواعد و مدیران و رویه‌های ناکارآمد اداره شود.

محاصره‌شکنی باطل‌السحر نقشه جدید آمریکا

هر دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات محاصره را به‌عنوان جایگزین و مکمل فشار نظامی بر علیه ایران انتخاب کرده‌اند. واشنگتن می‌خواهد ساعت تهران زودتر از پا بیفتد؛ پاسخ ایران باید نشان دهد که محاصره، نه ابزار تسلیم، بلکه نقطه آغاز بازتعریف هزینه‌های فشار علیه کشور خواهد بود. در این راستا حرکت نفتکش‌ها اولین قدم برای محاصره‌شکنی است.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

یادداشت

فارابی؛ معمار عقلانیت در تمدن اسلامی

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

امروز سی ام آبان، روز بزرگداشت ابونصر فارابی، فیلسوف برجسته ایرانی و از بزرگ‌ترین چهره‌های تاریخ اندیشه اسلامی است. اندیشمندی که سهم او در شکل گیری و گسترش فلسفه در جهان اسلام، به‌مراتب فراتر از شرح و تفسیر میراث یونانیان است. فارابی از آن دسته متفکرانی بود که فلسفه را صرف به عنوان دانشی محصور در مباحث انتزاعی فهم نمی کرد. فلسفه برای او به مثابه دستگاهی برای فهم هستی، سامان‌دادن به معرفت و تبیین نسبت انسان و جامعه بود.

لقب «معلم ثانی» که پس از ارسطو به او داده‌اند، بیانگر جایگاهی است که فارابی در تاریخ فلسفه به دست آورد. او با تسلط بر آرای افلاطون و ارسطو، کوشید میان دستگاه‌های فلسفی آنان پیوند برقرار کند و از دل این میراث، منظومه‌ای فکری متناسب با جهان‌بینی خود پدید آورد. این کوشش، صرفا در نوعی تلفیق دو نظام فلسفی خلاصه نمی‌شود. فارابی در پی آن بود که نسبت عقل و وحی، فلسفه و دین و معرفت نظری و زندگی عملی را صورت‌بندی کند.

اندیشه سیاسی او که در کتاب «آرای اهل مدینه فاضله» عرضه می‌شود، به یکی از مهم‌ترین صورت‌بندی‌های فلسفی درباره جامعه مطلوب و آرمانی تبدیل می‌شود. فارابی سعادت را غایت زندگی اجتماعی می‌داند و سیاست را از سطح تدبیر قدرت و مناسبات مادی فراتر می‌برد. در مدینه فاضله، حاکم باید از فضیلت و حکمت برخوردار باشد. چراکه اداره جامعه بدون شناخت خیر و سعادت، چیزی جز مدیریت مناسبات قدرت نخواهد بود. این نگاه، ریشه در تلقی عمیق او از پیوند فلسفه و سیاست دارد.

دامنه دانش فارابی البته به فلسفه سیاسی محدود نمی‌شود. او در منطق، ریاضیات، طبیعیات و موسیقی نیز صاحب‌نظر بود. کتاب «الموسیقی الکبیر» از مهم‌ترین آثار نظری در تاریخ موسیقی است و نشان می‌دهد که فارابی چگونه با رویکردی علمی و فلسفی به تحلیل ساختار نغمه‌ها، نسبت اصوات و مبانی موسیقی پرداخته است. چنین گستره‌ای از دانش، از ویژگی‌های برجسته سنت حکمی در تمدن اسلامی به شمار می‌رود.

با این همه، شاید مهم‌ترین مسئله در مواجهه امروز ما با فارابی، توجه به سنت عقلانی‌ای باشد که نمایندگی می‌کند. تمدنی که توانسته بود در فلسفه، منطق و علوم نظری صاحب دستگاه‌های فکری مستقل شود، چگونه می‌تواند از این میراث صرفا برای تفاخر تاریخی استفاده کند؟ فارابی را باید در متن تاریخ تفکر خواند. چراکه ارزش حقیقی میراث در افقی است که برای اندیشیدن به جهان و انسان گشوده است.

وقتی پای استاد اعظم لیبرال‌ها در فهم ابتداییات هم می‌لنگد

جدال نیابتی غنی‌نژاد

گفت‌وگوی پرسروصدای بیژن عبدالکریمی و موسی غنی‌نژاد جای بحث مفصلی دارد. اما مسئله اساسی این گفت‌وگو ناتوانی غنی‌نژاد در فهم مسائل بسیار ساده و پیش‌افتاده است. مشکل موسی غنی‌نژاد در مواجهه با دکتر علی شریعتی، پیش از آن‌که اختلافی نظری یا حتی ایدئولوژیک باشد، اساسا مشکل فهم موضوع است. مناظرهٔ او با بیژن عبدالکریمی در برنامهٔ «آزاد» بیش از آن‌که فرصتی برای مواجهه با اندیشهٔ شریعتی باشد، به نمایشگاهی از داوری‌های شتاب‌زده، عبارت‌های پرطمطراق و حمله‌های لفظی بدل شده است. او مدت‌ها است به این نتیجه رسیده که برای نقد شریعتی نیازی به خواندن دقیق او نیست؛ کافی است چند تصویر کلیشه‌ای از او در ذهن داشته باشید و با همان‌ها به میدان بروید.



کیاوش کلهر
روزنامه‌نگار

مشکل اول غنی‌نژاد، همان مشکلی است که به‌نظر می‌رسد مدت‌ها است راه‌حلی برای آن ندارد؛ تبدیل اندیشه به کاریکاتور. شریعتی برای او نه یک متفکر با دستگاهی پیچیده، پرتناقض و در عین حال تأثیرگذار، بلکه موجودی تک‌بعدی است که می‌توان تمام کارنامهٔ فکری‌اش را در چند برچسب خلاصه کرد. شریعتی، فارغ از این داوری‌های شتاب‌زده دربارهٔ اعتبار اندیشه‌اش، با مجموعه‌ای از مسائل اساسی درگیر بود؛ اعم از استعمار، از خودبیگانگی، تاریخ، مذهب، عدالت، سنت، تجدد و امکان کنش اجتماعی. برای هر نقدی به شریعتی، بماند که آن نقدها هم از سمت غنی‌نژاد صادر شده باشد که کمترین سررشته‌ای در اندیشه ندارد، باید اول فهمید او چه می‌گفت و چرا می‌گفت. نمی‌توان چند جملهٔ مشهور را از متن بیرون کشید، آن‌ها را به هم چسباند و بعد با ژست یک منتقد جدی، حکم نهایی را صادر کرد. غنی‌نژاد ظاهراً میان نقد یک متفکر و تخلیهٔ عاطفی علیه او تفاوت چندانی قائل نیست. در گفت‌وگو به جای آن‌که با یک استدلال منسجم مواجه شویم که در آن مفاهیم شریعتی صورت‌بندی و مفروضاتش بررسی شوند، بیشتر با نوعی جدل یک‌طرفه مواجهیم که در آن صدای بلندتر قرار است جای استدلال محکم‌تر بنشیند. نقد نظری به این معنا نیست که هرچه از ذهنمان دربارهٔ یک متفکر می‌گذرد، پشت سرهم ردیف کنیم و انتظار داشته باشیم مخاطب با مترفحش برثانیه به ذوق آید و بافته‌ها را بپذیرد. شریعتی را نمی‌توان با چند عبارت از جنس «ایدئولوژیک» و «ایدئولوژی‌زده» توضیح داد. اساساً مسئله این است که شریعتی چه نسبتی میان دین و تاریخ برقرار می‌کرد، چگونه به سراغ بازخوانی سنت می‌رفت، چه برداشتی از استعمار و غرب داشت و چرا تصور می‌کرد بازسازی آگاهی دینی می‌تواند به نیرویی برای تغییر اجتماعی بدل شود. اما ما جرایک لایهٔ دیگرهم دارد که اتفاقاً از خود شریعتی مهم‌تر است. به نظر می‌رسد شریعتی در این مناظره چندان موضوع اصلی غنی‌نژاد نیست. او بیشتر به یک میانجی برای تسویهٔ حساب با کلیت دیگری تبدیل شده است. مسئله‌ای که در پس این حمله‌ها خودنمایی می‌کند، نسبت غنی‌نژاد با انقلاب اسلامی و به‌ویژه امام خمینی است. شریعتی در اینجا کارکرد یک هدف واسطه‌ای را پیدا می‌کند؛ کسی که می‌توان با حمله به او، بخش بزرگی از سنت فکری و سیاسی انقلاب را نیز زیر ضرب برد، بی‌آن‌که ضرورتاً وارد مواجههٔ مستقیم و دقیق با بنیان‌های فکری آن شد.

البته شریعتی و امام خمینی دو شخصیت با مسیرهای فکری و تاریخی متفاوت‌اند و قرار نیست تفاوت‌های جدی میان آن‌ها را نادیده بگیریم. اتفاقاً همین تفاوت‌هاست که استفاده از شریعتی به‌عنوان بدل امام خمینی را تا این اندازه خام‌دستانه می‌کند. اما وقتی کسی شریعتی را دقیقاً به صورتی ناخودآگاه بدل به کلیتی از انقلاب اسلامی و امام خمینی می‌کند، می‌توان بسیار آسان بر او خرده گرفت که اگر با اندیشهٔ سیاسی امام خمینی مسئله دارد، چه اشکالی دارد که صریحاً سراغ همان مسئله برود؟ چرا باید شریعتی را به این میدان بکشاند و بعد وانمود کند که تمام دعوا بر سر اوست؟

غنی‌نژاد ظاهراً تصور می‌کند قاطعیت در نفی یک متفکر، به خودی خود نشانه‌ای از تسلط بر اندیشهٔ اوست. حال آن‌که درست برعکس، گاهی هرچه صدای منتقد بلندتر می‌شود، بیشتر می‌توان فهمید که چقدر از موضوع فاصله دارد. شریعتی را می‌توان نقد کرد، حتی می‌توان با او به‌شدت مخالف بود؛ اما نمی‌توان با چند ناسزا از کنار او عبور کرد و نام این عبور را نقد گذاشت. مسئله این نیست که شریعتی باید از نقد مصون بماند؛ مسئله این است که منتقد باید دست‌کم بداند با چه کسی طرف است. غنی‌نژاد در این مناظره بیش از آن‌که شریعتی را به چالش بکشد، تصویری ساده‌شده و دست‌ساز از او را به زمین می‌زند و از پیروزی بر این تصویر، برای خود دستاوردی نظری می‌سازد. پیروزی بر شبح یک متفکر البته کار دشواری نیست؛ دشواری آنجاست که آدمی جرئت و توان مواجهه با خود متفکر را داشته باشد.

یادداشت

تلویزیونِ مردم مبعوث

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

سی ام آبان روز جهانی تلویزیون است و فرصتی مناسب برای بازنگری در نقش رسانه ملی در زندگی مردم به‌نظر می‌رسد. در واقع باید گفت که صداوسیما تنها یک ابزار سرگرمی محسوب نمی‌شود و نهادی راهبردی با رسالتی عمیق فرهنگی و اجتماعی محسوب است. این رسانه باید در مسیر حرکت جامعه به سوی الگوی تراز انقلابی و اسلامی گام بردارد و از ایفای این وظیفه خطیر غافل نماند. به این معنا که تولید محتواهای جذاب و خلاقانه بدون شک بخشی از مأموریت رسانه است اما نباید هدف نهایی را تحت‌الشعاع قرار دهد. مدیران فعلی رسانه ملی یعنی پیمان جبلی و وحید جلیلی نشان داده‌اند که فهم دقیق‌تری از مفاهیم ملی و هویتی نسبت به اخلاف خود دارند. رویکرد آن‌ها بر پایه تقویت هویت ایرانی اسلامی و حمایت از ارزش‌های بومی استوار است. این نگاه مثبت می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد فضای سالم‌تر در فضای مجازی و حقیقی باشد، اما با این حال فشارهای موجود از سوی گروه‌های مختلف و انتظارات بازار سرگرمی چالش‌هایی جدی پیش روی مدیران قرار داده است.

نکته مهم نیز در همین لحظه رخ می‌نماید؛ در واقع نباید اجازه داد فشارها باعث شوند تلویزیون و رادیو به محفلی برای بازگشت سلبریتی‌ها تبدیل شوند. حضور برخی چهره‌های مشهور اگرچه می‌تواند مخاطب جذب کند اما نباید منجر به ترویج سبک زندگی‌های ناسالم یا بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی شود. البته که نمی‌توان درها را کاملاً بست و واقعیت‌های جامعه را نادیده گرفت اما نباید به این افراد باج داد. زیرا تمام امکانات رسانه ملی نباید در اختیار کسانی قرار گیرد که ممکن است پیام‌های ضدفرهنگی را به صورت ناخودآگاه منتقل کنند. تعادل میان جذب مخاطب و حفظ اصول ارزشی کلید موفقیت رسانه ملی است. برنامه‌سازی هوشمندانه می‌تواند همزمان هم نیازهای سرگرمی مردم را پاسخ دهد و هم افق‌های فکری و معنوی آنان را ارتقا بخشد. استفاده از ظرفیت نخبگان هنری متعهد و جوانان مستعد می‌تواند جایگزین مناسبی برای اتکا صرف به سلبریتی‌های مطرح باشد. این رویکرد ضمن کاهش وابستگی به چهره‌های جنجالی می‌تواند جریان‌سازی‌های مثبت در سطح جامعه ایجاد کند. صداوسیما باید صدای ملت مبعوث باشد نه اینکه به امکانی برای تاخت‌وتاز گروه‌های خاص یا همان غربگراهای بی‌وطن تبدیل شود. به عبارت دیگر، اعتماد عمومی سرمایه اصلی این رسانه است و هرگونه انحراف از مسیر اصلی می‌تواند این سرمایه را تهدید کند.

در روز جهانی تلویزیون لازم است یادآوری کنیم که قدرت نرم ایران در منطقه و جهان تا حد زیادی مدیون عملکرد درست رسانه ملی ست که اگر نبود هیچوقت مورد حمله آمریکا و اسرائیل در دفاع مقدس دوازده‌روزه و جنگ رمضان قرار نمی‌گرفت. در همین راستا، حرکت در مسیر استقلال فرهنگی و تقویت بنیه فکری مخاطبان اولویت اصلی باید باشد. امید است با مدیریت شایسته و آگاهی نسبت به حساسیت‌های موجود رسانه ملی بتواند نقش خود را به عنوان سنگر فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایفا کند و از لغزش‌های احتمالی در دام سلبریتی‌پروری مصون بماند.

دوم دی آغاز سی‌وهفتمین نمایشگاه کتاب تهران



سی‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران هم‌زمان با میلاد حضرت علی (ع) از روز چهارشنبه دوم دی‌ماه ۱۴۰۵

آغاز به کار می‌کند و میزبان علاقه‌مندان کتاب و کتابخوانی خواهد بود. محسن جوادی، رئیس سی‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران گفت: فراخوان ثبت‌نام برای حضور در سی‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران طی روزهای آینده منتشر خواهد شد تا ناشران برای حضور در این رویداد اقدامات لازم را انجام دهند.

رئیس نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با تاکید بر جایگاه بی‌بدیل این رویداد اظهار کرد: باید بپذیریم نمایشگاه کتاب تهران، مهم‌ترین رویداد فرهنگی کشور است؛ رخدادی که علاوه بر ایجاد نشاط اجتماعی، پشتیبان اصلی چرخه نشر به‌شمار می‌رود. از این رو، همه دست‌اندرکاران و به‌ویژه اهالی و صنوف مختلف حوزه نشر باید از امروز در اندیشه برگزاری باشکوه‌تر نمایشگاه پیش‌رو باشند.